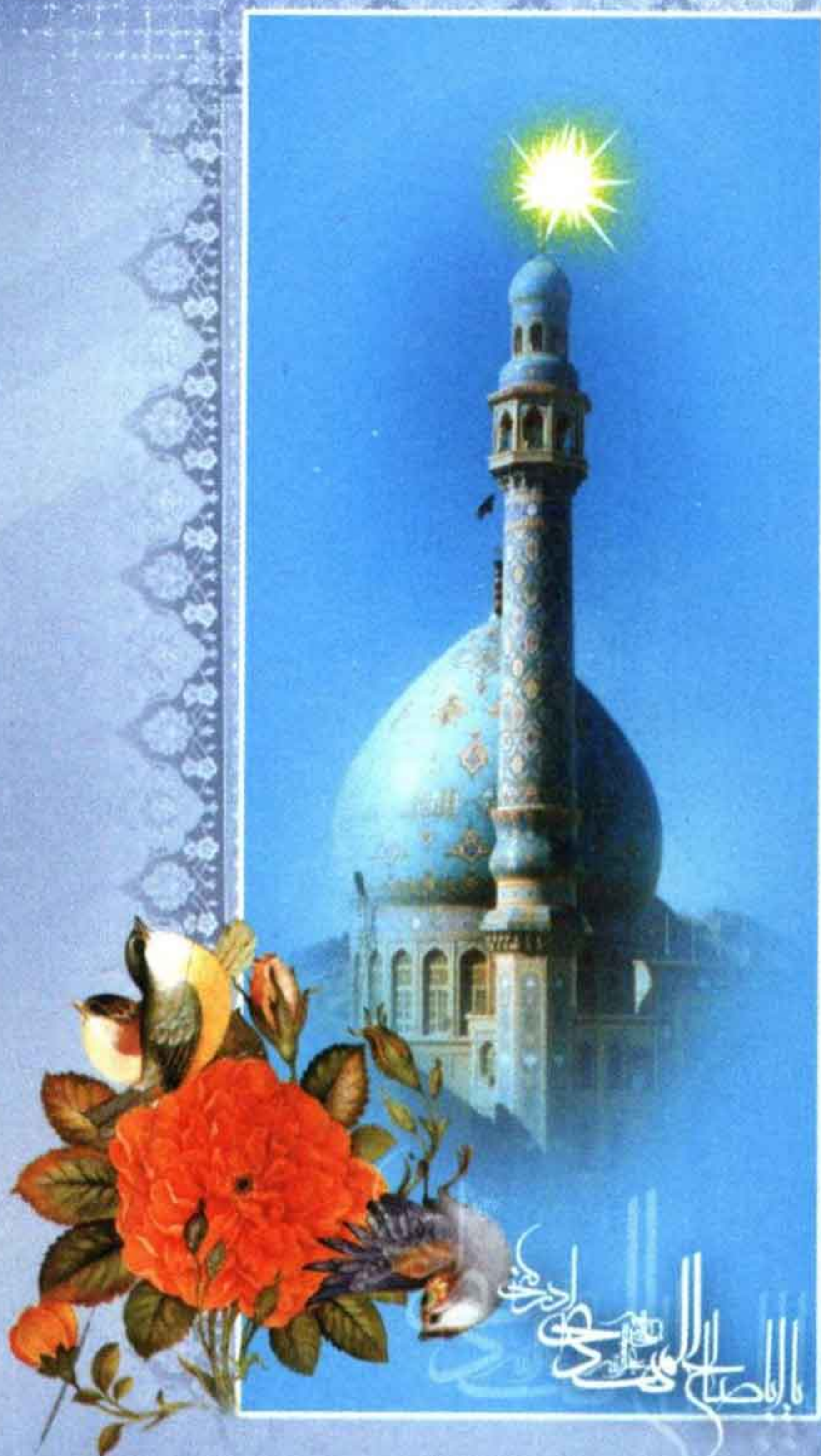


آخرین موعود

شصت

پرسش و پاسخ درباره‌ی
مهدی موعود علیه السلام



گروه تحقیق و تألیف خادم الرضا علیه السلام



بسم الله الرحمن الرحيم

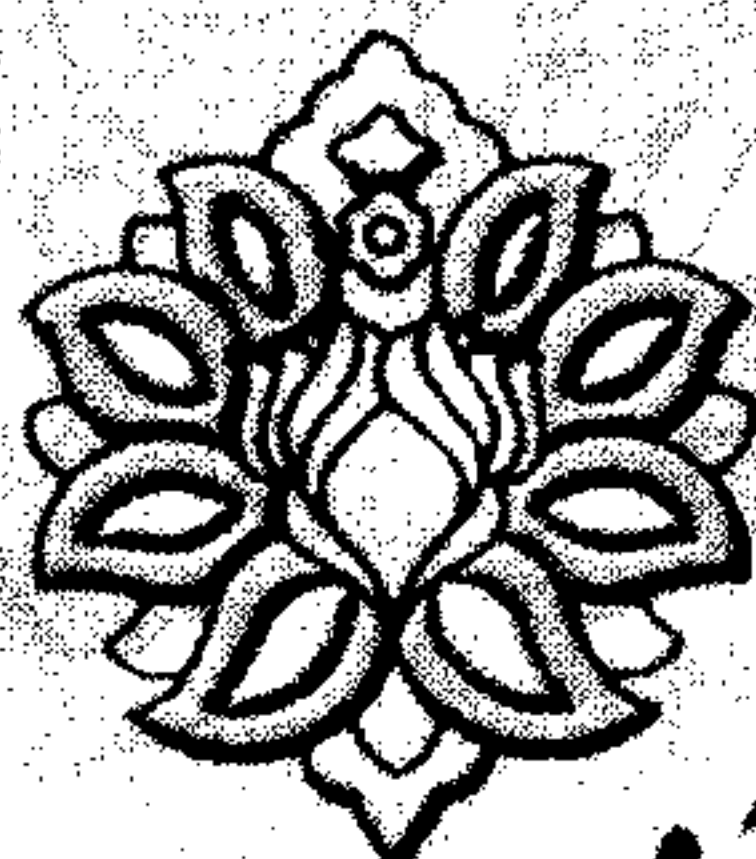
امروز امیر در میخانه تونی تو
فریدرس ناله‌ی مستانه تونی تو
مرغ دل ما را که به کس رام نکرد
آرام تونی، دام تونی، دانه تونی تو
بسیار بگوئیم و چه بسیار بگفتیم
کس نیست به غیر از تو در این خانه تونی تو





انتشارات خادم الرضا (ع)

قم / خیابان صفائییه (شهیدا) / انتهای کوی بیگدلی /
نیش کوی شهید گندوست / پلاک ۲۸۴
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۲۶۱۶۵ / ۲۵۱
همراه: ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸



شصت
پرسش و پاسخ درباره‌ی
مهدی موعود **آخرین موعود**

تألیف: گروه تحقیق و تألیف خادم الرضا (ع)
ویراستار: محمدحسن استادی مقدم
ناشر: انتشارات خادم الرضا (ع)
صفحه آرایشی و طرح جلد: مرتضی فتح اللهی
لیتوگرافی: سپهر
نوبت چاپ: پنجم - مرداد ۸۸
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
بها: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۸-۶۹-۲۵۹۰-۹۶۲-۹۷۸
جميع حقوق برای انتشارات خادم الرضا (ع) محفوظ است.

مرکز پخش:
ستاد اجرایی طرح توسکا (مجری توزیع سراسری کتاب ایران)
انتشارات اندیشه‌ی ماندگار
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲ - ۷۷۲۶۱۶۵ / ۲۵۱
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۳۶۸۹



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

امام زمان (عج) رمز عدالت و مظهر قسط الهی
در روی زمین است، به همین جهت است که
همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن
حضرت را می‌کشند.

فهرست مطالب

| | |
|-------|------------|
| ۷ | مقدمه |
| <hr/> | |
| | فصل اول |
| ۱۱ | مهدویت |
| <hr/> | |
| | فصل دوم |
| ۲۵ | گل نرگس |
| <hr/> | |
| | فصل سوم |
| ۳۹ | دوران غیبت |
| <hr/> | |
| | فصل چهارم |
| ۵۹ | انتظار سبز |

فصل پنجم

نشانه‌های ظهور ۷۷

فصل ششم

عصر ظهور ۸۷

فصل هفتم

حکومت مهدوی ۱۰۵

فصل هشتم

شبهه‌ها و سؤالات دیگر ۱۱۳

سؤالات گزینه‌ای ۱۳۴

پاسخنامه ۱۴۴

مقدمه

اعتقاد راسخ ما شیعیان بر آن است که تمام برکات هستی و ادامه‌ی حیات عالم و آدم و سایر موجودات، در سایه‌ی وجود مقدس و بابرکت حضرت ولی عصر علیه السلام است و اگر آن وجود گرامی در کوره‌ی زمین نباشند، تمام هستی نابود گشته، از بین خواهد رفت؛ چنان که در بیان نورانی اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که:

«لولا الحجّة لساخت الارض باهلها»؛ اگر

وجود حجت الهی نباشد، زمین اهلش را

فرو خواهد برد.

هم او که وجود مبارکش در پس پرده‌ی

غیبت همچون خورشید پشت ابر، نور و برکت بوده، مایه‌ی بقای دین و مذهب و بشریت است و پس از ظهور خود به امر و مصلحت الهی، جهان را پر از عدل و داد می‌کند...

دلم از غصه پر خون شد، چرا دلبر نمی‌آید؟

ز دریای محبت‌ها، برون گوهر نمی‌آید؟

تماشای جمال او، شب قدر من است اما

به امیدش سحر کردم، شبی دیگر نمی‌آید؟

جمال بی‌مثال او، چو خورشید جهان‌افروز

کند روشن دل عالم، نکو منظر نمی‌آید؟

شکی نیست که همه‌ی ما تحت توجّهات امام

زمان علیه السلام قرار داریم و اعمال روزمره‌ی ما زیر نظر

آن بزرگوار است و همان‌طور که خود آن

حضرت در توقیع مبارک به مرحوم شیخ مفید

فرمودند، هیچ یک از اعمال ما از نظر آن

حضرت پنهان نیست و همواره زندگی ما تحت

توجه ایشان می‌باشد.

حضرت در آن توقیع شریف مرقوم فرمودند:

«فانا یحیط علمنا بانبائکم ولا یعزّب عنّا شیءٌ»

م اخبارکم... انا غیر مهملین لمراعاتکم و

لانا سین لذکرکم ولو ذلک لنزل بکم اللّواء

واصطلمکم الاعداء...»؛

همانا علم ما بر کارهایتان احاطه دارد و

هیچ یک از اخبار شما بر ما پنهان نیست...
 ما شما را به حال خود وانمی گذاریم و
 فراموشتان نمی کنیم و اگر چنین نباشد،
 گرفتاری ها بر شما نازل می شود و
 دشمنان، شما را نابود می نمایند...

ای تو همیشه دادرس، باز به داد من برس

جز توبه سوی هیچ کس، دیده نظر نمی کند

جز سپر بلا شدن، همدم ابتلا شدن

عاشق تو در این جهان، کار دگر نمی کند

بی تردید، با شناخت بیش تر حضرت
 مهدی علیه السلام، روح انسان متوجه مقام رفیع ولایت و
 امامت گشته، یاد و نام آن وجود مقدس در دلها
 زنده می گردد و انسان پی می برد که در سایه ی
 کمالات روحی و معنوی، می توان به مقامات
 رفیع دست یافت.

این کتاب با هدف آشنایی بیش تر با ابعاد
 وجودی مهدی موعود علیه السلام به نگارش درآمده
 است، و امیدواریم که در این راه قدمی مثبت
 برداشته باشیم.

عمری است که من در انتظارم آقا

چشمم به ره است و بی قرارم آقا

دلتنگم از این زندگی تکراری

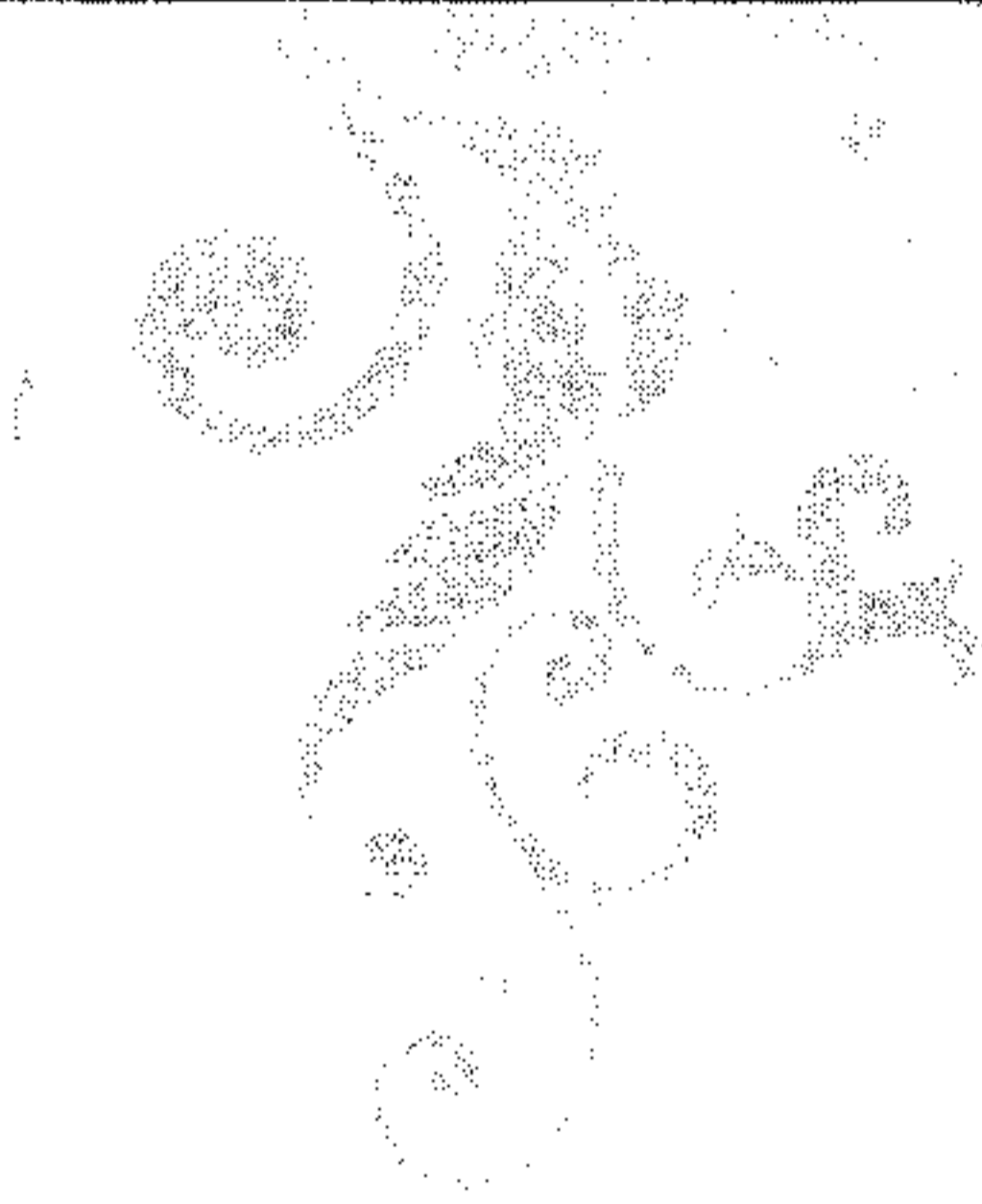
صیدم که به دام روزگارم آقا

با آرزوی طلوع خورشید هنوز
شبگرد شب سیاه و تارم آقا
بشتاب بیا جهان پر از بیداد است
عمری است که من در انتظارم آقا

به امید ظهور آن حضرت

فصل اول

مهدویت



۱. آیا در قرآن کریم آیاتی درباره‌ی مهدی موعود علیه السلام آمده است؟

در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره‌ی امام عصر علیه السلام وجود دارد، که بزرگان دین در کتاب‌های معتبر نقل فرموده‌اند؛ از جمله‌ی آن‌ها «علامه مجلسی» است که در کتاب شریف بحار الانوار، بابی را به ذکر شصت آیه از قرآن کریم - که به قیام امام زمان علیه السلام تأویل شده - اختصاص داده است؛ و ما در این جا به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱. «در زبور (حضرت داوود) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که: زمین را بندگان صالح ما به ارث می‌برند.»^۱

اینان، قائم آل محمد علیه السلام و یاران او می باشند.
 ۲. «خدا فرستاده‌ی خود را با هدایت و دین
 حق فرستاد تا به همه‌ی دین‌ها غالب شود؛ هر چند
 مشرکان نخواهند.»^۱

بنابر روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده، این
 آیه درباره‌ی قائم آل محمد علیه السلام است، وی امامی
 است که خداوند او را بر همه‌ی کیش‌ها و
 آیین‌ها غالب گرداند.

۳. «خداوند به کسانی از شما که ایمان
 آورده و عمل صالح پیشه ساخته‌اند، وعده
 داده که آن‌ها را در زمین نماینده‌ی خود
 گرداند؛ چنان که همانند آن‌ها را سابقاً
 خلیفه کرد، و ثابت می‌دارد دین آن‌ها را،
 که برای آنان برگزید؛ ترس آن‌ها را تبدیل
 به امن کنیم، و اینان هیچ‌گاه به من شرک
 نوززند.»^۲

در کتاب «غیبت» شیخ طوسی، روایت شده
 که این آیه نیز درباره‌ی مهدی موعود علیه السلام و یاران
 او نازل شده است.

۴. «ما اراده کرده‌ایم بر آنان که در زمین
 زبون گشتند، منت بنهیم و آن‌ها را پیشوایان و

۱. صف، ۹.

۲. نور، ۵۴.

وارثان زمین قرار دهیم.»^۱

در «غیبت»، شیخ طوسی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر این آیه فرمودند: اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند، آل پیغمبرند، که خداوند مهدی آنها را برمی‌انگیزد تا آنان را عزیز و دشمنان ایشان را ذلیل گرداند.

۵. «بدانید که خداوند، زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند. ما آیات خود را برای شما بیان کردیم تا در آن باره تعقل کنید.»^۲

شیخ طوسی از ابن عباس نقل کرده است که گفت: خداوند، زمین مرده را بعد از بیدادگری اهل آن، با ظهور قائم آل محمد علیه السلام اصلاح کند.^۳

۲. آیا اهل سنت هم به حضرت مهدی علیه السلام ایمان دارند؟

آنچه در کتاب‌های اهل سنت در مورد مسأله‌ی مهدویت آمده است، اگر بیش‌تر از کتاب‌های شیعه نباشد، کم‌تر نیست. احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی ظهور، ویژگی‌های حکومت، نشانه‌های ظهور و خروج آن حضرت

۱. حدید، ۱۵.

۲. حدید، ۲۶.

۳. ر.ک: مهدی موعود، ترجمه‌ی علی دوانی، صص ۲۴۶ -

و رجعت دوستان و دشمنان او در کتاب‌های اهل سنت نقل شده است. تنها اختلافی که اهل سنت در این باره با شیعه دارند، این است که شیعه معتقد است هم‌اکنون حضرت مهدی زنده است؛ ولی بعضی از اهل سنت معتقدند که او در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد.

۳. آیا روایات معتبری از معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی مهدی موعود علیه‌السلام وجود دارد؟

از ناحیه‌ی مقدسه‌ی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، روایات بسیاری با سندهای معتبر درباره‌ی وجود حضرت مهدی، و ظهور آن موعود جهانی وارد شده است، که جای هیچ‌گونه شک و تردید را برای طالبان حقیقت باقی نمی‌گذارد. ما در این جا نمونه‌هایی را از آن بزرگواران نقل می‌کنیم.

۱. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «مهدی از فرزندان من است؛ اسم او، اسم من (محمد) و کنیه‌اش کنیه‌ی من (ابوالقاسم) است، و از نظر اخلاق و خلقت، شبیه‌ترین مردم به من است؛ برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردم بسیاری گمراه می‌شوند، آن گاه مثل "شهاب ثاقب" می‌آید و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛

همچنان که پر از ظلم و ستم شده بود.^۱

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «قائم ما غیبتی طولانی خواهد داشت. شیعیان را چنان می بینیم که برای پیدا کردن او دشت و دمن را زیر پا گذاشته، ولی او را پیدا نمی کنند؛ بدانید آنها که در غیبت وی در دین خویش ثابت بمانند و در طول مدت غیبتش منکر وی نشوند، روز قیامت با من خواهند بود.»

آن گاه فرمودند: «چون قائم ما ظهور کند، بیعت هیچ کس بر گردن وی نیست. از این رو ولایتش پوشیده خواهد ماند و خودش از نظرها پنهان می شود.»

۳. جابر بن عبدالله خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام شرفیاب شد، در حالی که در مقابل حضرت لوحی بود که در آن لوح اسامی اولیاء نوشته شده بود. «من شمردم، دوازده نام دیدم که آخر آن اسمها "قائم" بود و سه نام محمد و چهار نام علی بود.»^۲

۴. امام حسن علیه السلام می فرمایند: «مگر نمی دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست، جز این که بیعت با سلطان و گردنکش زمانش را به گردن دارد

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۳۰۷.

(یعنی حقشان که امامت و خلافت باشد، ظالمانه و غاصبانه پایمال می‌شود)، جز آن قائمی که عیسی بن مریم پشت سرش به نماز می‌ایستد و خداوند متعال تولدش را مخفی و وجودش را غایب فرماید؛ تا هنگام خروج، بیعت هیچ کس در گردنش نباشد؛ و او نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است. خداوند عمرش را در غیبتش طولانی نماید، سپس او را به قدرت خود در چهره‌ی جوانی کم‌تر از چهل سال ظاهر کند، تا بدانند خداوند بر هر چیز قادر و تواناست.^۱

۵. امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «در نهمین فرزند من، سنتی از یوسف علیه السلام و سنتی از موسی علیه السلام است، و او قائم ما اهل بیت است که خداوند امر او را در یک شب اصلاح می‌فرماید.»^۲

۶. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «در قائم ما چند سنت از سنت‌های انبیا هست: از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و محمد صلی الله علیه و آله. اما از آدم و نوح طول عمر است؛ و اما از ابراهیم، ولادت پنهانی است؛ و اما از موسی، ترس و غیبت است؛ و اما از عیسی، اختلاف آرای مردم پس از اوست. (چنان که پس از بالا رفتن آن

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۷.

حضرت، بعضی گفتند: مُرد، و بعضی گفتند: به دار آویخته شد و...؛ و اما از ایوب، گشایش و فرج بعد از امتحان است؛ و اما از محمد ﷺ خروج با شمشیر است.^۱

۷. امام باقر علیه السلام فرمودند: «هنگامی که اوضاع روزگار دگرگون شود و مردم گویند: قائم مرده یا هلاک شده، یا بگویند: به کدام بیابان رفته است؛ و آن‌ها که خواستار نابودی او می‌باشند، بگویند: کسی که استخوان‌هایش پوسیده شده است، چگونه ظهور می‌کند؟! شما به ظهور او امیدوار باشید؛ و چون شنیدید که ظهور نموده است، به سوی او بشتابید، ولو با خزیدن از روی برف باشد.»^۲

۸. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «روش غیبتی که در پیغمبران بود، طاق النعل بالنعل (با هم‌ه‌ی خصوصیاتش) درباره‌ی قائم ما اهل بیت جاری شود؛ و او پنجمین فرزند پسر موسی است، او پسر خاتون کنیزان است؛ غیبتی کند که اهل باطل در آن به شک افتند، پس خداوند او را ظاهر نماید، و شرق و غرب زمین را به دست وی فتح کند. عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او

۱. همان، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۳۳.

نماز گزارد، و زمین به نور صاحبش روشن و منور گردد، و در همه‌ی روی زمین جایی نماند که عبادت غیر خدا می‌شده، جز این که در آن جا پرستش خدا شود، و دین همه خاص خدا شود؛ گرچه مشرکان نپسندند.^۱

۹. امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک، و از عدل و داد پر نماید، چنان که از ظلم پر شده بود، او پنجمین فرزند من است. او را غیبتی طولانی است، چون بر جان خود خائف است؛ و در آن (عصر غیبت) گروه‌هایی از دین برگردند و جمعی پایدار بمانند. خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم، به ولایت ما چنگ زنند و به دوستی ما و بیزاری از دشمنانمان ثابت بمانند. آنان از ما هستند و ما نیز از آن‌هاییم؛ ایشان به امامت ما راضی‌اند و ما به تشیع آن‌ها؛ پس خوشا به حال آن‌ها؛ به خدا سوگند که آنان در روز قیامت در درجه‌ی ما و با ما هستند.»^۲

۱۰. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «قائم ما کسی است که چون خروج کند، در سن پیران و سیمای جوانان است؛ و به قدری نیرومند است

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۴۵.

که اگر به بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست دراز کند، آن را از بیخ برکند، و اگر میان کوه‌ها فریاد زند، سنگ‌ها پاشیده شوند، و عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد. او چهارمین فرزند من است، خداوند هر زمان که خواهد، او را در حجاب و پرده‌ی خود غایب کند، سپس ظاهرش نماید و زمین را به دست او از عدل و داد پر کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده است.^۱

۱۱. امام جواد علیه السلام فرمودند: «قائم ما همان

مهدی علیه السلام است. او کسی است که واجب است در زمان غیبتش انتظار کشیده شود و هنگامی که ظهور کرد، اطاعتش کنند؛ و او سومین نفر از فرزندان من است. قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث به نبوت فرمود و ما را به امامت انتخاب نمود، اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی گرداند تا قائم ما در آن روز خارج شده و ظهور نماید. پس با ظهورش زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که تا آن زمان پر از ظلم و ستم بود.^۲

۱۲. عبدالعظیم حسنی به امام هادی علیه السلام عرض

۱. همان، ص ۳۷۶.

۲. همان، ص ۳۷۷.

کرد: پس از شما چه کسی مولای من است؟
حضرت فرمودند: «پس از من فرزندم حسن؛
و مردم نسبت به جانشین پس از او چگونه اند؟»
عرض کرد: برای چه؟ ای مولای من!

فرمودند: «برای این که شخص وی
دیده نشود، و حرام است که او را به اسمش یاد
کنند، تا این که خروج کرده و زمین را پر از
عدل و داد نماید؛ چنان که پر از ظلم و ستم شده
است.»^۱

۱۳. امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: «شما
مردم را چنان می بینم که بعد از من درباره‌ی
جانشینی اختلاف پیدا می کنید. آگاه باشید! کسی
که معتقد به امامت امامان بعد از پیغمبر باشد،
ولی فرزند مرا انکار کند، مانند آن است که تمام
پیغمبران را باور دارد، ولی نبوت پیغمبر خاتم صلوات الله علیه
را منکر شود. در صورتی که هر کس منکر
رسول خدا صلوات الله علیه باشد، در واقع، همه‌ی پیغمبران را
انکار نموده است؛ زیرا اطاعت آخرین نفر از ما،
مانند اطاعت اولین آنها است، و هر کس که
منکر اولین معصوم ما شود، آخرین نفر ما را
انکار نموده است.»^۲

۱. همان، ص ۳۸۰.

۲. مهدی موعود، ترجمه‌ی علی دوانی، ص ۳۹۱.

۴. اولین کسی از مسلمانان که در عقیده‌ی مهدویت تشکیک کرد، چه کسی بود؟

در تاریخ آمده است که معاویه به جماعتی از بنی هاشم خطاب کرد و گفت: «این که شما گمان می‌کنید پادشاهی هاشمی و مهدی قائم از آن شما است، عقیده‌ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است. امر خلافت به دست ما است، تا آن را به او تسلیم کنیم.»

ابن عباس از جمله کسانی بود که در آن جلسه حضور داشت؛ او در مقابل این تحریف تاریخی و بازی کردن با عقیده‌ی اسلامی سخت ایستاده، به معاویه گفت: «...اما این که گفتی ما گمان داریم که برای ما حکومتی است که مهدی حاکم آن است؛ جواب آن این است که گمان، شرک است؛ همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

«زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُعْشُوا»؛^۱ کافران پنداشته‌اند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند.^۲

در حالی که همه شهادت می‌دهند که برای ما ملک و حکومتی است. اگر از عمر دنیا یک روز

۱. تغابن، ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۵۶.

باقی باشد، خداوند متعال کسی را از ما می فرستد تا زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. و اما این که می گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است، عیسی کسی است که برای مقابله با دجال فرستاده می شود، و هرگاه دجال او را ببیند، نابود می شود، ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا می کند و نماز می خواند.»^۱

فصل دوم

گل نرگس

۵. ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام چگونه رخ داد؟

وجود مقدس و نازنین حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری پا به عرصه‌ی دنیا گذاشت.

حکیمه خاتون - دختر امام جواد علیه السلام و عمه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام - کیفیت و چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام را چنین نقل می‌کند:

امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد که امشب (نیمه‌ی شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حاجتش را بر من آشکار می‌کند.

پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟

آن حضرت فرمود: از نرجس.

عرض کردم: من در نرجس خاتون هیچ اثر
حملی مشاهده نمی‌کنم!

حضرت فرمود: موضوع همین است که
گفتم.

من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و
کفش مرا از پایم درآورد و گفت: بانوی من!
حالتان چطور است؟

گفتم: تو بانوی من و خانواده‌ام هستی.

او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و
گفت: این چه سخنی است؟

گفتم: خداوند امشب به تو فرزندی عطا
می‌کند که سرور و آقای دنیا و آخرت خواهد شد.
نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید.

بعد از افطار، نماز عشا را به جای آوردم و به
بستر رفتم. چون پاسی از نیمه شب گذشت،
برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز
به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم. در این
هنگام، نرجس نیز بیدار شد و نماز شب را به جا
آورد. سپس از اتاق بیرون رفتم. از طلوع فجر که
با خبر شدم، دیدم فجر اول طلوع کرده و نرجس
در خواب است. ناگاه این سؤال به ذهنم خطور
کرد که چرا حجت خدا آشکار نشد.

نزدیک بود شکی در دلم ایجاد شود که ناگهان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از آن اتاق فریاد زد: «ای عمه! شتاب نکن که موعد نزدیک است.»

من نیز نشستم و سوره های «سجده» و «یاسین» را خواندم. هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد.

من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟

نرجس گفت: آری.

گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن؛ این همان موضوعی است که اول شب به تو گفتم. مضطرب نباش و دلت را آرام کن.

در این هنگام پرده‌ی نوری میان من و او کشیده شد. ناگاه متوجه شدم که کودک ولادت یافته است.^۱

۶. چرا خبر ولادت امام مهدی علیه السلام را اعلان نکردند؟

همه‌ی مسلمانان سینه به سینه، از پدران خویش شنیده بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندم مهدی علیه السلام با براندازی حکومت‌های ستمگر،

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۹؛ نوادر الاخبار، ص ۲۱۵.

اقامه‌ی عدل می‌کند و دوازدهمین جانشین پیامبر ﷺ خواهد بود.

همه می‌دانستند که او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، از این رو، تمام کسانی که نگران تاج و تخت خود بودند - به‌ویژه نظام ظالمانه‌ی بنی‌عباس که در آن زمان حکومت را در دست داشت و چند امام را به شهادت رسانده بود - در صدد بودند به هر قیمتی که شده، نگذارند از امام حسن عسکری علیه السلام فرزند پسر ی باقی بماند.

به همین منظور، بنی‌عباس همیشه مراقب آن حضرت و خانواده‌ی ایشان بودند؛ حتی زمانی که امام حسن عسکری علیه السلام شهید شدند، دستور دادند منزل آن حضرت را بازرسی نمایند و نوزادی را که همه در انتظار تولدش بودند، بیابند و بکشند.

۷. آیا در ولادت امام دوازدهم علیه السلام

شگفتی‌هایی وجود داشت؟

یکی از شگفتی‌های اندکی قبل از ولادت، این است که حکیمه خاتون در ضمن روایتی می‌گوید: نرجس را در هنگام ولادت مضطرب دیدم؛ لذا او را در آغوش گرفته، نام الهی را بر او خواندم؛ ناگاه امام عسکری علیه السلام صدا زد: ای عمه! سوره‌ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخوان.

از نرگس پرسیدم: حالت چطور است؟
گفت: اثر وضع حمل معلوم است.
وقتی شروع به خواندن سوره‌ی قدر کردم،
شنیدم که آن طفل، در شکم مادر با من همراهی
می‌کرد و سوره‌ی قدر را می‌خواند. ترسیدم.
امام عسکری علیه السلام فرمود: از قدرت الهی تعجب
نکن که طفلان ما را به حکمت، گویا می‌گردانند!

۸. اولین سخن فرزند امام عسکری علیه السلام پس از
تولد چه بود؟

حضرت مهدی علیه السلام مانند اجداد معصوم خود،
پس از به دنیا آمدن، شهادتین را بر زبان جاری
ساخته، رو به قبله به سجده افتاده، فرمودند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ
جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ صَيِّ
رَسُولِ اللَّهِ»

گواهی می‌دهم به یگانگی خدای بی‌همتا
و رسالت جدم محمد صلی الله علیه و آله و امامت پدرم
امیر مؤمنان.

سپس حضرت یک‌یک امامان را نام بردند، تا
به خود رسیده، فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ ائْتِمَّ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ

وَطَّأْتِي وَ اَمَلَاءِ الْاَرْضِ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا؛

خدایا! به وعده‌ی خود درباره‌ی ظهور من
وفا کن و امر امامت و خلافت را بر من
تمام گردان و زمین را به وسیله‌ی من پر
از عدل و داد نما.^۱

چون امام حسن عسکری علیه السلام نور چشم خود را
در آغوش گرفتند، فرمودند: فرزندم! سخن بگو،
و ایشان این آیه را تلاوت فرمودند:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲

این آیه اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام است
که در قرآن آمده و خداوند در آن وعده داده است
که ستمگران جهان را نابود کند و اداره‌ی جهان را
به دست باکفایت بندگان صالح خدا بسپارد. این
آیه‌ی شریفه از نمونه آیاتی است که درباره‌ی
حضرت مهدی علیه السلام و حکومت او بیان شده است.

۹. القاب و کنیه‌های امام زمان علیه السلام چیست؟

نام اصلی حضرت، «محمد» است؛ نامی که
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن حضرت گذاشتند و
فرمودند: اسم او اسم من، و کنیه‌ی او کنیه‌ی من

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲. قصص، ۵.

[ابوالقاسم] است.

القاب حضرت بسیار است، از جمله:

مهدی: مشهورترین لقب حضرت است.

مهدی، اسم مصدر هدایت است، به معنی کسی که به وسیله‌ی خدا هدایت شده باشد.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: «آن

حضرت را مهدی گویند؛ زیرا او مردم را به امری که گم کرده‌اند، هدایت می‌کند.»

و نیز امام باقر علیه السلام فرمودند: «او را مهدی

نامیدند، برای این که به امری پنهان (اسلام راستین) هدایت می‌کند.»^۱

قائم: یعنی قیام کننده به حق.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «از این جهت قائم

را "قائم" نامیدند، که پس از فراموش شدن نامش قیام می‌کند.»^۲

و امام جواد علیه السلام در جواب این پرسش که چرا او

را «قائم» می‌نامند؟ چنین فرمودند: «زیرا بعد از آن

که نامش از خاطره‌ها فراموش شود و اکثر معتقدان

به امامتش، از دین خدا برگردند، قیام می‌کند.»^۳

منصور: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی: «فَقَدْ

جَعَلْنَا» فرمودند: «او حسین بن علی علیه السلام است، و

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. معانی الاخبار، ص ۶۵.

۳. کمال الدین، ص ۳۷۸.

مقصود از بقیه‌ی آیه‌ی «فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا وَ لَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»،^۱ امام زمان (عج) است، که نامش در این آیه «منصور» می‌باشد؛ چنان که خداوند احمد و محمد را محمود و عیسی را مسیح خوانده است.^۲

منتظر: از امام جواد (ع) پرسیدند: چرا وی را منتظر می‌گویند؟ فرمودند: «زیرا وی برای مدتی طولانی غیبت می‌نماید و علاقه‌مندان به وی منتظر ظهورش خواهند بود؛ و آن‌ها که تردید دارند، انکار می‌کنند...»^۳

بقیة الله: روایت شده است که چون آن حضرت خروج نمایند، پشت به کعبه کرده، سیصد و سیزده مرد به دور ایشان جمع می‌شوند، و اولین کلامی که می‌فرمایند، این آیه است:

«سُبْحَانَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۴

آن گاه می‌فرمایند: منم بقیة الله و حجّت او و خلیفه‌ی او بر شما. پس هیچ سلام کننده‌ای به او سلام نمی‌کند، مگر این که می‌گوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۵

۱. اسراء، ۳۵.

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰.

۳. کمال الدین، ص ۳۷۸.

۴. هود، ۸۶.

۵. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۸۶.

بعضی گفته‌اند: لقب آن حضرت «حجة الله» است. نقش خاتم آن جناب، «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» است. آن حضرت، القاب دیگری چون: خلف صالح، شرید (رانده شده)، غریم (طلب کار)، مؤمّل (منتظر، و آرزو بر آورده شده)، منتقم، ماء معین (آب ظاهر و جاری بر روی زمین)، ولی الله، صاحب الامر و صاحب الزّمان نیز دارند. کنیه‌های آن حضرت عبارتند از: ابوالقاسم، ابوصالح، ابو عبدالله، ابو ابراهیم، ابو جعفر و ابوالحسین.

۱۰. چرا امام زمان علیه السلام معروف به قائم شده‌اند؛ حال آن که تمام ائمه علیهم السلام قائم به حق هستند؟

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب علل الشرایع از ابو حمزه‌ی ثمالی نقل می‌کند:
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: مگر شما ائمه، قائم به حق نیستید؟ فرمودند: بلی.
عرض کردم: پس چرا فقط امام منتظر علیه السلام قائم نامیده شده است؟

فرمودند: چون جدّم امام حسین علیه السلام شهید شدند، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلان بهترین بندگانت و زاده‌ی اشرف برگزیدگانت را به حال خود وامی‌گذاری؟

خداوند به آنها وحی فرستاد که ای فرشتگان من! آرام گیرید. به عزت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمانها باشد.

آن گاه پروردگار عالم، امامان اولاد امام حسین علیه السلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور گشتند. یکی از امامان ایستاده، نماز می گذارد. خداوند فرمود: «بِذَلِكَ الْقَائِمُ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ»؛ به وسیله ی این قائم از آنها انتقام می گیرم.

در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق رحمته الله این روایت آمده است:

«سُمِّيَ الْقَائِمُ قَائِمًا لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ»؛

از این جهت او را «قائم» می گویند که پس از فراموش شدن نامش، قیام می کند.^۱

۱۱. چرا زمانی که نام «قائم» را می برند، بلند شده، دست بر سر می گذارند؟

این رفتار در بین تمام شیعیان مرسوم بوده و هست و نقل شده که امام رضا علیه السلام در یکی از مجالس خراسان حضور داشتند که کلمه ی «قائم» برده شد.

پس آن حضرت ایستادند و دست مبارک بر

سر نهاده، فرمودند:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ».

این عمل در عصر امام صادق علیه السلام هم معمول بوده است. خدمت آن جناب عرض شد: علت چیست که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد؟ آن حضرت فرمودند:

«صاحب الامر غیبتی طولانی خواهند داشت و در آن زمان هر کس ایشان را به لقب "قائم" یاد کند - که این نام یادی از دولت امام زمان علیه السلام و اظهار تأسفی است از غربت او - آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهند کرد و چون در این حال مورد توجه امام علیه السلام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و تعجیل فرج را از خدا بخواهد.»^۱

پس این رفتار شیعیان، ریشه‌ی روایی دارد.

۱۲. امام دوازدهم علیه السلام در چند سالگی به امامت رسیدند؟

بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ.ق، امام زمان علیه السلام که پنج سال بیش تر نداشتند، آمدند و بر پیکر پدر نماز

۱. دادگستر جهان، ص ۱۲۵؛ به نقل از الزام الناصب، ص ۸۱

خواندند. بسیاری از مردمی که تا آن هنگام خبر از ولادت آن حضرت نداشته، یا اطمینان حاصل نکرده بودند، متوجه تولد ایشان شدند. از طرفی عده‌ای که رابطه‌ی خوشی با آن بزرگوار نداشتند، و از جمله «جعفر کذاب» عموی امام مهدی علیه السلام که داعیه‌ی جانشینی امام عسکری علیه السلام را داشت، ماجرا را خبر داده و دستگاه خلافت برای دستگیری حضرت و کشتن او سریعاً اقدام کرد، و نیروهایی را به خانه‌ی امام عسکری علیه السلام اعزام نمود.

اما از آن جا که خداوند اراده کرده بود آخرین حجت خود را حفظ کند، آن حضرت را از دیدگان دشمنان پنهان داشت و هر چه جست و جو کردند و خانه را زیر و رو نمودند، آن حضرت را نیافتند.

فصل سوم

دوران غیبت

۱۳. چرا امام زمان علیه السلام در غیبت هستند؟

الف. فشار طاغوتیان: اسلام عزیز در طول رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امامت امامان معصوم علیهم السلام - تا سال ۲۶۰ هجری - در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی تبیین گردید و احکام نورانی اسلام چنان تدوین شده است که قدرت و توانایی تشکیل حکومت جهانی را دارد. همچنین شاهد نمونه‌ی عملی حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام هستیم و در آن دوران، همه چیز برای تحقق حکومت جهانی اسلام فراهم بود؛ همچنان که در دوره‌ی خلیفه‌ی دوم، شاهد استیلای حکومت اسلامی هستیم. اما نفوذ عناصر نالایق

در پیکره‌ی حکومت و فشار طاغوتیان و مخالفان،
زمینه‌ی رشد اسلام ناب را دگرگون کرد و
مسیری منحرف و کاذب به آن بخشید.

این جریان انحرافی، در مسیر خود حضور
امامان معصوم را که مظهر اسلام ناب محمدی ﷺ
بودند، بر نمی‌تابید و عرصه را آن چنان بر آنها
تنگ کرد که یکی پس از دیگری به تبعید و
زندان گرفتار آمدند.

همچنین خلفایی که به ناحق بر کرسی
خلافت پیامبر ﷺ تکیه زده بودند، ذهن و
اندیشه‌ی مردم را با دنیا رنگ کردند و تخم
بدبینی و خشونت را نسبت به اهل بیت ﷺ با
تبلیغات دروغین در دل‌های آنان پاشیدند، تا
جایی که به قلع و قمع و حذف اهل بیت ﷺ از
صحنه‌ی حکومت و سیاست رضایت دادند.
خلفای جور با جدا کردن امامان معصوم از مردم،
چنان عرضه را بر این عزیزان تنگ نمودند، که
همواره شهادت را از خدا طلب می‌کردند.

در عصر امام زمان ﷺ به قدری این حلقه
تنگ‌تر شد، که تصمیم به قتل امام در دوران
کودکی گرفتند؛ آن‌جا بود که خداوند متعال بنا بر
قاعده‌ی لطف، آن حضرت را در پرده‌ی غیبت قرار
داد، تا ذخیره‌ای برای آینده‌ی جهان بشریت باشند.

البته استمرار لطف خداوند بر بندگان با حفظ حیات امام زمان علیه السلام و حضور باطنی ایشان بر دل‌های عاشقانش ادامه دارد، و تنها عدم ظهور ظاهری است، که ایشان از چشم‌ها غایب است.

ب. حکمت الهی: یکی از دلایل غیبت، حکمت الهی است، که بشر به همه‌ی اسرار آن واقف نیست. هیچ کس نمی‌داند که خداوند متعال برای آینده‌ی جهان چه برنامه‌هایی دارد؛ از این رو آخرین حلقه‌ی امامت و ولایت را نگه داشته است، تا آنچه را که مصلحت او و خیر و صلاح بندگان اوست، به اجرا درآورد. لذا در دعای ندبه می‌خوانیم:

«این مؤلف شمل الصّلاح و الرّضا»؛

کجاست آن مؤلفی که صلاح و رضای

خدا و خلق را شامل است؟

ج. عمل نامقبول: علاوه بر حکمت الهی و طغیان خلفای جور، مهم‌ترین علت غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) عمل نامقبول ما مردم است. در طول امامت یازده معصوم علیهم السلام، به تجربه روشن شد که تخلف و عدم حمایت مردم از آنان و بعضاً اطاعت منافقانه، تحقیقاً این سؤال را مطرح می‌کند که امامان حق و عدل، چرا باید در بین مردم ناصالح و قدرناشناس باشند؟

اصولاً قابلیت مردم، شرط اصلی حضور امام در هر عصری است؛ اگر قابلیت و صلاحیت در مردم تحقق یابد، قطعاً ظهور امام زمان علیه السلام هم محقق خواهد شد.

قرآن کریم به خوبی به قابلیت و استعداد انسان‌ها در تغییر سرنوشت و روند تحولات جامعه اشاره دارد:

«انّ الله لا یغیر ما بقوم حتّی ینفروا ما بانفسهم»^۱.

از این جهت علت غیبت در وجود ما نهفته است و ما از آن غفلت می‌کنیم. اگر در صدد اصلاح و آمادگی خود بر آییم، قطعاً امام بر ما ظاهر خواهند شد. البته این بدان معنا نیست که همه‌ی ما به گناه آلوده‌ایم، بلکه مقصود حد نصاب است، که برای ظهور آن حضرت لازم است.

بدیهی است که بسیاری از تقوا پیشگان همیشه آماده‌ی ظهور بوده و هستند، اما در مجموع بلوغ معنوی جامعه در حدی نیست که پذیرای امام زمان علیه السلام باشد. به همین دلیل، غیبت امام ادامه می‌یابد و خداوند به وسیله‌ی غیبت، وجود مقدس

امام زمان علیه السلام را حفظ کرده است، زیرا اگر پیش از موعد ظاهر شوند، ایشان را خواهند کشت و به انجام مأموریت الهی موفق نمی شوند.

۱۴. حضرت مهدی علیه السلام چند نوع غیبت داشتند؟

غیبت امام زمان علیه السلام به دو مرحله تقسیم می گردد:

۱. مرحله‌ی کوتاه مدّت، که بدان غیبت صغری گفته اند؛

۲. مرحله‌ی دراز مدت، که بدان غیبت کبری گفته می شود.

«غیبت صغری» از سال ۲۶۰ که سال وفات امام عسکری علیه السلام است، آغاز گردید و در سال ۳۲۹ که سال وفات آخرین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام است، پایان یافت.

این غیبت از دو جهت محدود بود:

۱. جهت زمانی؛ ۲. جهت شعاعی.

از نظر زمانی کم تر از ۷۰ سال (۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز) به طول انجامید، و از این رو «غیبت صغری» نامیده شد؛ و از نظر شعاعی نیز، این غیبت، غیبتی همه جانبه نبود، و شعاع و دامنه‌ای محدود داشت؛ این غیبت و پنهانی،

نسبت به همه کس نبود، بلکه کسانی بودند که به صورتی با امام در تماس بودند. نایبان خاص امام علیه السلام کارهای مردم را می گذرانیدند، نامه ها و سؤالات مردم را به نزد امام می بردند - یا می فرستادند - و پاسخ امام را به مردم می رساندند. گاهی نیز گروهی از مردم، به وسیله ی آن نایبان خاص به دیدار امام دوازدهم علیه السلام راه می یافتند.^۱

البته برخی از مورخان، آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت امام مهدی علیه السلام به شمار آورده اند؛ یعنی از سال ۲۵۵ آغاز و در سال ۳۲۹ ختم شده است، که با این حساب، دوره ی «غیبت صغری» ۷۵ سال خواهد شد.^۲

ولی پس از درگذشت آخرین سفیر خصوصی آن حضرت، این راه نیز به روی مردم بسته شد و فقهای اسلام به عنوان مرجع رسمی و نایبان عالم حضرت، در امور دینی و دنیوی معرفی شدند، و به سبب بسته شدن همه ی تماس های خصوصی، و طولانی بودن زمان غیبت، نام آن را «غیبت کبری» نهادند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «حضرت قائم علیه السلام دو غیبت دارد: یکی طولانی

۱. خورشید مغرب، حکیمی، ص ۴۳.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ص ۶۷۳.

(کبری) و دیگری کوتاه (صغری).»^۱

۱۵. نواب آن حضرت در زمان غیبت چند نفر
و چه کسانی بودند؟

آنان چهار نفر بودند:

۱. عثمان بن سعید؛ حدود ۲۰ سال نیابت آن
حضرت را عهده‌دار بود؛

۲. محمد بن عثمان؛ ۲۵ سال نیابت آن
حضرت را بر عهده داشت؛

۳. حسین بن روح؛ ۲۱ سال نایب آن حضرت
بود؛

۴. علی بن محمد سمري؛ ۳ سال نیابت آن
حضرت را بر عهده داشت.

این چهار نایب روی هم بیش از ۶۹ سال
نیابت خاصه از سوی آن حضرت داشتند و غیبت
کبری با فوت آخرین نایب خاص، از سال ۳۲۹
ه. ق آغاز شد.

۱۶. دوران غیبت کبری چه مدت طول
خواهد کشید و در این مدت چه حوادثی
رخ خواهد داد؟

غیبت آن حضرت طولانی خواهد بود؛ ولی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

مدت آن معلوم نیست. در احادیث از حوادث تلخی یاد شده است؛ از جمله این که آن قدر غیبت طولانی می شود که بسیاری از مردم در وجود آن حضرت شک می کنند، بسیاری از دین خود دست برمی دارند؛ قتل و فساد زیاد می شود، دل ها سیاه و مردم ناامید شده، بلا و مصیبت و سختی فراگیر می شود؛ زندگی برای مؤمن دشوار گشته، دین داری سخت تر از نگهداری آتش سرخ در کف دست می گردد.

۱۷. آیا آن حضرت از حال نیازمندان و گرفتاران باخبر بوده، می توانند کمکی بکنند، یا چون غایب می باشند، نمی توانند؟

امام زمان علیه السلام از حال ستمدیدگان باخبر بوده، فریادرس فریادخواهان و پناه درماندگان هستند؛ چنان که خود فرمودند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَانَسِينَ لِدِكْرِكُمْ»

ما هرگز در مورد شما غافل نیستیم و شما را از یاد نمی بریم.

و نیز فرمودند:

«فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَعْزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»

ما به امور و اخبار شما علم کامل داریم و هرگز چیزی از شما از نظر ما پنهان نیست.^۱

در شب قدر، همه‌ی امور و اخبار به آن حضرت عرضه می‌شود و آن حضرت ناله‌ی دردمندان را می‌شنوند و چه بسیارند کسانی که در طول قرن‌ها از عنایات حضرت بهره‌مند گشته و گره از کارشان باز شده است.

۱۸. آیا ملاقات با امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبری امکان دارد؟

منظور از غیبت امام علیه السلام، غیبت شخص و جسم نیست، بلکه «غیبت عنوان» است، که در این صورت، دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید:

۱. دیدار حضرت مهدی علیه السلام با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشناس باشند. این گونه دیدار، به طور دایم، برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند، و یا افرادی که با ایشان برخورد می‌نمایند - در هر نقطه‌ای که باشد - روی می‌دهد.

۲. دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون این که این امر را ملاقات کننده - مگر پس از پایان گرفتن دیدار - متوجه باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می‌شود.

۳. دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است؛ زیرا غالباً مخالف مصلحت می‌باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی علیه السلام منافات دارد.

اما در مورد کیفیت رویارویی با آن حضرت، کافی است که ایشان با فرد مورد نظر مانند سایر انسان‌ها رو به رو شوند و منظور خود را از دیدار برآورده سازند و شخصیت حقیقی خود را به او - اگرچه به گونه‌ای که پس از اتمام رویارویی متوجه شود - بشناسانند. بلکه آن حضرت، به طور عادی، پس از پایان دیدار، ملاقات کننده را ترک می‌کنند.

البته، در صورتی که هنگام ملاقات، امام علیه السلام به گونه‌ای در تنگنا قرار گیرند که بیم از میان رفتن و انتفای غیبت عامه‌ی ایشان برود، چاره‌ای از پنهان شدن به طریق اعجاز نیست.^۱

۱. تاریخ غیبت کبری، ص ۱۱۵.

۱۹. چه کنیم که توفیق دیدار چهره‌ی نورانی امام عصر علیه السلام را پیدا کنیم؟

اولاً، شاید بارها ایشان را زیارت کرده، ولی نشناخته باشی. لذا فرمودند: هیچ بنده‌ای را تحقیر نکن؛ شاید همان مولای تو باشد.

ثانیاً، اگر کسی بخواهد آن حضرت را زیارت کند و بشناسد، نیاز به خودسازی دارد. باید در این راه زحمت فراوان کشید و رنج بسیار دید.

ثالثاً، نباید ملاقات با امام زمان علیه السلام هدف اصلی ما باشد؛ بلکه به دست آوردن رضایت خاطر ایشان و پیروی درست از ایشان باید هدف اساسی ما قرار گیرد.

۲۰. در زمان غیبت، مردم در امور دینی خود باید به چه کسی مراجعه کنند؟

امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبری، وکیل خاص ندارند؛ اما وکیل‌های عام آن حضرت، یعنی فقهای دارای شرایط، عهده‌دار نیابت عامه از سوی آن حضرت هستند. حضرت مهدی علیه السلام در توقیع شریف خود مرقوم فرمودند:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ

حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»^۱

در رویدادهای اجتماعی (و نیازهای شرعی) به راویان احادیث ما (فقها) مراجعه نمایید که آنها حجّت من بر شما هستند؛ چنان که من حجّت خدا هستم.

در احادیث دیگر، اهل بیت علیهم السلام این مسأله را روشن فرمودند و ولایت فقیه و مسأله‌ی تقلید نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، ارتباط امت اسلامی با حجّت خدا به کلی قطع نیست و علمای اسلام در دوران غیبت، پناهگاه و مرجع و راهنمای امت و حافظ و نگهبان شریعت هستند و منزلت آنان مانند پیامبران بنی اسرائیل است؛ چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند:

«عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ»

علمای امت من مانند پیامبران بنی اسرائیل هستند.^۱

۲۱. مکان حضور امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کجاست؟

در جواب این سؤال لازم است که بدانید پوشیده ماندن این نقاط و بی جواب ماندن این سؤالات، در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام شک و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۰.

شبهه‌ای ایجاد نمی‌کند؛ همان طور که معلوم بودن آن‌ها در اثبات اصل غیبت و مسایل مهم‌تر هیچ نقشی ندارد. علاوه بر آن، مخفی بودن این مسایل، جزئی از غیبت آن حضرت است و اگر قرار بود مکان حضرت دقیقاً مشخص شود که دیگر غیبت تامّه نبود. اما در جواب مختصری باید گفت که آن حضرت برای انجام وظایف و کارهای خویش به مسافرت می‌روند و حتی در روایتی آمده است که آن حضرت بین مردم تردد می‌نمایند و در بازار راه می‌روند و بر فرش مردم قدم می‌گذارند، ولی مردم او را نمی‌شناسند و به همین وضع تا زمان ظهور ادامه می‌دهند.^۱

در روایتی نیز آمده است که آن حضرت در اعمال حج شرکت می‌کنند و مردم را می‌شناسند، اما مردم ایشان را نمی‌شناسند؛^۲ همچنان که حضرت یوسف علیه السلام برادرانش را می‌شناخت، ولی آن‌ها او را نمی‌شناختند.^۳

البته در برخی از روایات، که بسیاری از آن‌ها از جهت سند مخدوش است، مکان‌هایی نام برده شده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲.

۱. سرزمین های دور دست؛^۱
۲. مدینه ی طیبه؛^۲
۳. دشت حجاز؛^۳
۴. کوه رضوی که کوهی در نزدیکی مکه است؛^۴
۵. بلد مهدی علیه السلام؛^۵
۶. بیت الحمد؛^۶
۷. جزایر مبارکه؛^۷
۸. جزیره ی خضراء.

۲۲. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارند؟

در مورد این که آیا حضرت بقیة الله علیه السلام در غیبت کبری همسر و فرزندان دارند یا نه، دلیل قطعی بر وجود یا عدم آن نداریم؛ اما شواهد و قرائنی هست که بر وجود همسر و فرزند برای آن حضرت اشاره می کنند:

۱. قواعد کلی عقلی و شرعی؛

۱. احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷.
۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۷.
۳. کمال الدین شیخ صدوق، ص ۴۴۷.
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.
۵. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۵۸.
۶. الغیبة نعمانی، ص ۱۲۶.
۷. حدیقة الشیعة، ص ۷۶۵؛ نجم الثاقب، ص ۲۱۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹.

۲. روایات؛

۳. ادعیه.

۱. قواعد کلی: از سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در میان مسلمین رایج است و ترغیب‌ها و تشویق‌های فراوانی در روایات نسبت به آن صورت پذیرفته، ازدواج است و سزاوارترین کسی که اخذ به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کند، امام هر عصر است. بزرگانی چون میرزای نوری رحمته الله علیه و مرحوم نهاوندی رحمته الله علیه، با همین دلیل، تناکح و تناسل حضرت را اثبات کرده‌اند و حتی مرحوم محدث نوری رحمته الله علیه ردّ این مطلب را از کمی اطلاع می‌داند.^۱

۲. روایات: در مورد اولاد آن حضرت روایاتی است که درباره‌ی وجود آنها صحبت می‌کند:

۱. سید بن طاووس رحمته الله علیه در «جمال الاسبوع» می‌فرماید: روایتی را با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر علیه السلام اولاد زیادی دارند.

۲. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زمان غیبت کبری، هیچ کس، حتی فرزندان حضرت جایگاه او را نمی‌دانند؛ به جز کسی که متصدی امور ایشان است.»^۲

۱. نجم الثاقب، ص ۴۰۳؛ العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۳. در کتاب «مزار» محمد بن مهدی روایتی را از امام صادق علیه السلام آورده است که: «گویا می بینم نزول قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش.»^۱

۴. مرحوم شیخ حر عاملی رحمته الله، در کتاب «الایقاظ من الهجعة» بابی را به بحث از دولت فرزندان حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده است.

روایات دیگری نیز در این باره وجود دارد، که مرحوم محدث نوری رحمته الله در کتاب «نجم الثاقب» - باب هفتم - بیان کرده است.

در برابر روایات یاد شده، فقط یک روایت داریم که ظاهرش با آنها سازگار نیست و آن روایتی است که می گوید: «هر امامی باید فرزند داشته باشد، به جز مهدی که فرزند ندارد.»^۲

میرزای نوری رحمته الله می فرماید: ظاهر این است که مراد از نداشتن فرزند، فرزند امام است؛ یعنی فرزندی که امام بعد از او باشد، وجود ندارد.

۳. ادعیه: در ضمن دعاهای بسیاری که از پیشوایان معصوم علیهم السلام و یا از ناحیهی مقدسه صادر شده است، که در زمان غیبت در ایام یا اماکن خاصی خوانده شود، از اولاد و اهل بیت حضرت ولی عصر علیه السلام سخن به میان آمده و در حق آنها

۱. نجم الثاقب، ص ۴۰۶.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۴.

دعا شده و بر آنها درود و سلام فرستاده شده است:

۱. آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه‌ی مقدسه صادر شده است:

«وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ
وَلَدِهِ...»^۱

۲. در دعای ورود سرداب مقدس هم آمده است:

«وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ
وُلَدِهِ...»^۲

۳. در زیارت مخصوص حضرت ولی عصر علیه السلام که روزهای جمعه خوانده می‌شود، شبیه همان آمده است.^۳

۴. در دعایی که امام رضا علیه السلام تعلیم فرموده که در عصر غیبت خوانده شود، چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاهْلِيهِ وَوَلَدِهِ وَ
أُمَّتِهِ...»^۴

۵. شبیه همین عبارت در وداع زیارت سرداب

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۰؛ مصباح کفعمی، ص ۵۴۸؛

جمال الاسبوع، ص ۵۰۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۴؛ مصباح الزائر، ص ۲۳۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۸.

۴. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۳۲؛ مصباح کفعمی، ص ۵۰۵؛

جمال الاسبوع، ص ۵۱۰.

وارد شده است.^۱

البته این ادعیه بیش تر از آن است که ما بتوانیم تمام آنها را نقل کنیم و مفصل آن در کتاب نجم الثاقب آمده است.

این روایات و دعاها اشعار دارند که حضرت بقیه الله علیه السلام در عهد غیبت فرزندان دارند که از اخیار و ابرار هستند.

جناب محدث نوری رحمته الله منشأ انکار فرزندان حضرت را کمی اطلاع دانسته و گفته است: «مجرد معلوم نبودن اولاد و عیال برای حضرت حجّت علیه السلام و عدم اطلاع بر آن، دلیل بر نبودن نیست.»^۲

۱. مصباح الزائر، ص ۲۳۶.

۲. نجم الثاقب، ص ۴۰۳.

فصل چہارم

انتظار سبز



۲۳. مقصود از انتظار چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛^۱ بهترین

اعمال امت من، انتظار فرج است.

انتظار، فرهنگ سازنده و تفکر پویایی است

که همیشه جامعه را زنده، امیدوار و در مسیر

تکاپو و پیشرفت قرار می‌دهد. انتظار، دل‌های

دوستان را پر از امید و دل‌های دشمنان را با

اضطراب و نگرانی همراه می‌سازد.

انتظار یعنی آمادگی و زمینه‌سازی برای ورود

فرمانده و شروع عملیات.

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۷.

انتظار یعنی سازش نکردن با دشمن، بیداری، سربازگیری، نیروسازی، حفظ نیروهای خودی و بالا بردن توان مبارزه.

انتظار یعنی به همه‌ی ظلم‌ها نه گفتن و راضی نبودن به وضع موجود و در انتظار عدالت بودن. بنابراین، انتظار، عمل و تلاش است، نه یک ایده‌ی تنها.

متأسفانه بیش‌تر از آن‌که منتظر آقایمان باشیم، همه از او انتظارهای فراوان داریم و این انتظارهای ما با وظیفه‌ی انتظار فاصله‌ی بسیاری دارد.

۲۴. آیا انتظار موعود در همه‌ی ادیان وجود دارد؟

الف. انتظار در ادیان: امید و انتظار به زندگی آرمانی و جهان سرشار از صلح و عدالت و آزادی، در نهاد هر انسانی - صرف‌نظر از هر مذهب و قومیت - ریشه دارد و این احساس، همواره در وجود مصلحی الهی و جهانی جلوه‌گر است. برای مثال، در کتاب «زند»، از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان، آمده است:

«آن‌گاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود، و اهریمنان را منقرض می‌سازند

و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارد و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.^۱

همچنین در کتاب «دید» - که نزد هندویان از کتاب‌های آسمانی به شمار می‌رود - آمده است:

«پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام او "منصور" باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد، برآید.»^۲

همچنین در «مزامیر» حضرت داوود علیه السلام آمده است:

«صالحان، وارث زمین خواهند بود و در آن همیشه ساکن خواهند شد.»

«مزامیر» حضرت داوود، همان «زبوری» است که در قرآن کریم آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ

۱. بشارات عهدین، ص ۲۳۸.

۲. همان، ص ۲۴۸.

الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

ما در زبور به دنبال ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح ما وارث زمین خواهند بود.

همچنین در تورات آمده است:

«و در حق اسماعیل تو را شنیدم؛ اینک او را برکت داده‌ام و او را بارور گردانیده، به غایت زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد کرد و او را امت عظیمی خواهم نمود.»^۲

و در قرآن کریم هم می‌خوانیم:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳

اراده کرده‌ایم که بر خداپرستانی که زیر بار ظلم و ستم ناتوان شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین گردانیم.

باز می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. سفر تکوین، (۲۰:۱۷).

۳. قصص، ۵.

الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ
أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین خلیفه و جانشین سازد؛ چنان که گذشتگان را خلافت و جانشینی بخشید و دینی را که خدا برایشان پسندیده است، برقرار نماید و ترس آنان را به ایمنی تبدیل کند، که مرا عبادت می‌کنند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند.

ب. انتظار در فرایند فعلی: علاوه بر ادیان گذشته، در فلسفه‌ی تاریخ و روند فعلی جهان، به رغم دین‌ستیزی اندیشه‌های سکولار، گرایش درونی بشر به مصلح جهانی همچنان وجود دارد و حتی تقویت هم شده است.

به عبارت دیگر، وجدان بشر امروز دریافته است که با تکیه بر قدرت و ثروت یا خرد و اندیشه‌ی محض و فناوری مادی، نمی‌تواند نظم و عدالت و سعادت فراگیر را در جهان مستقر نماید، و راهی جز این ندارد که روابط اجتماعی و آهنگ زندگی خود را بر اساس ایمان روحی و

پذیرش حاکمیت خداوند متعال استوار سازد.
 امروزه ایمان‌گرایی (فیدئیسیم) در غرب
 تجدید حیات شده است، تا خلاء معنوی جوامع
 غربی را پر کند و شعار «آگوستین» که می‌گفت:
 «من ایمان می‌آورم تا بفهمم» از قرن نوزدهم تا
 زمان حاضر نفوذ پر جاذبه‌ای در اذهان جوانان
 اروپایی پیدا کرده است.

حتی «ساموئل هانتینگتون» که «نظریه‌ی
 برخورد تمدن‌ها» را ارائه داده است، نمی‌تواند
 شیفتگی خود را به فرهنگ مسیحیت پنهان کند و
 معتقد است که در نبرد فرهنگی اسلام و
 مسیحیت، پیروزی قاطع از آن مسیحیت خواهد
 بود.^۱

«هانتینگتون» ادعا ندارد که نظریه‌ی برخورد
 تمدن‌ها را از طریق روش‌شناسی علمی تدوین
 کرده، بلکه اعتقاد او بر این است که مناسبات
 تمدنی و گرایش‌های گذشته و حال جوامع
 غربی، او را به این جمع‌بندی سوق داده است؛
 یعنی میل درونی طبقات مختلف جوامع غربی به
 دین و احیای دوباره‌ی ارزش‌های مسیحیت و
 حرکت آرمانی به آینده‌ای روشن در پرتو ولایت

۱. رویارویی تمدن‌ها، ترجمه‌ی مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی
 - اقتصادی، تیر ۱۳۷۲.

الهی، او را به این نتیجه رسانده است. این اعتراف جامعه‌شناسی همچون هانتینگتون، نوید نظریه‌ی ماست، که اعتقاد به مهدویت و حکومت جهانی او ریشه در وجدان و فطرت همه‌ی انسان‌ها در جهان دارد.

«لیبرال دموکراسی» غرب به رغم دین‌ستیزی در جوامع مختلف غربی، نتوانسته است مشعل فطرت را در درون بشر خاموش کند. اکنون این شعله در حال اوج گرفتن است و لیبرالیسم رسوا را در چالشی عظیم قرار داده است.

رویکرد بشر به دین و معنویت، آن هم با انگیزه‌ی جهان‌شمولی، اثبات معقول فلسفه‌ی انتظار است. یا به قول جناب مولوی، اثبات این واقعیت است که بشر می‌گوید: مرا با نغمه‌های دنیوی فریب ندهید و جانم را در هیاهوی لذایذ دنیا گم نکنید. جان من عرشی است و در فرش نمی‌گنجد. خدای مرا از من نگیرید؛ او دایم در مآذن، ضمیر مرا به سوی خود می‌خواند:

گوید ای اجزای پست فرشی‌ام

غربت من تلخ‌تر من عرشی‌ام

میل تن در سبزه و آب روان

آن بود که اصل او باشد از آن

میل جان اندر حیات و در حی است
 زانک جان لامکان اصل وی است
 نتیجه این که انتظار مهدی علیه السلام یک فراخوان
 درونی بشر به آینده‌ای روشن و امیدبخش است و
 همه‌ی انسان‌ها صرف‌نظر از ملیت و مذهب، در
 میدان این فراخوانی قرار دارند؛ یکی به نام
 عیسی علیه السلام، یکی به نام «منصور» و دیگری به نام
 حضرت مهدی علیه السلام در جویبار انتظار روانند.
 سرانجام، همه‌ی این جویبارها به بحر موعود
 حقیقی جهان یعنی حضرت مهدی (ارواحنا فداه)
 ملحق خواهند شد و مزد دوران سخت انتظار را
 با تبسم وصال او خواهند گرفت. ان شاءالله.

۲۵. وظایف عملی شیعه برای انتظار آن حضرت چیست؟

نخستین وظیفه این است که زمینه‌ی ظهور آن
 حضرت را آماده سازیم و از منتظران واقعی‌اش
 باشیم. اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از
 منکر، کاهش معاصی و تربیت نیرو برای
 حکومت آن بزرگوار، می‌تواند زمینه‌ی ظهور آن
 حضرت را آماده سازد.

بنابراین، باید به گونه‌ای عمل شود که یاد و
 نام آن بزرگوار بر سر زبان‌ها و دل‌ها باشد و مردم

از آن حضرت غافل نشوند و در مشکلات به او روی آورند و بدانند که او حجّت خداست و بر حال همه آگاه است. همچنین وظیفه‌ی مردم است که برای سلامت حضرت صدقه بدهند، برای تعجیل در ظهورش دعا کنند، و حج و اعمال خیر دیگر را به نیابت از آن حضرت انجام دهند.

وظیفه‌ی شیعیان است که زیارت‌نامه‌هایی را که برای آن حضرت وارد شده، بخوانند. همیشه - به ویژه روز جمعه - به یاد او باشند و دعای ندبه را بخوانند. از دعای سلامت آن حضرت: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» و دعای «إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ...» و سایر دعا‌های مناسب غفلت نورزند و منتظر ظهور باشند.

۲۶. آثار و فواید دعا برای تعجیل فرج چیست؟

مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی، مؤلف کتاب «مکیال المکارم»، خلاصه‌ی آثار و فواید و ویژگی‌هایی را که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب می‌باشد، در کتاب خود بیان کرده است. به جهت این که این کتاب به امر مطاع ولی عصر علیه السلام نوشته شده و کتابی مبارک و پر خیر

است، مطالب آن را در ذیل نقل می‌کنیم.

دعا کننده برای فرج حضرت، مشمول برکات زیر می‌گردد:

۱. اطاعت از امر مولایش کرده است، که فرموده‌اند: و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است؛

۲. این دعا سبب زیاد شدن نعمت‌ها می‌گردد؛

۳. و اظهار محبت قلبی؛

۴. و نشانه‌ی انتظار؛

۵. و زنده کردن امر ائمه‌ی اطهار؛

۶. و مایه‌ی ناراحتی شیطان لعین؛

۷. و نجات یافتن از فتنه‌های آخرالزمان؛

۸. و ادای قسمتی از حقوق آن حضرت است،

که ادای حق هر صاحب حقی واجب‌ترین امور است؛

۹. و تعظیم خداوند و دین خداوند است؛

۱۰. حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق او دعا

می‌کند؛

۱۱. و شفاعت آن حضرت در قیامت شامل

حال او می‌شود؛

۱۲. و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله - ان شاء الله - شامل

حال او می‌گردد؛

۱۳. و این دعا امثال امر الهی و طلب فضل و

عنایت اوست؛

۱۴. و مایه‌ی استجابت دعا می‌شود؛

۱۵. و ادای اجر رسالت است؛

۱۶. و مایه‌ی دفع بلاست؛

۱۷. و سبب وسعت روزی است، ان شاء الله؛

۱۸. و باعث آمرزش گناهان می‌شود؛

۱۹. و مشرف به دیدار آن حضرت در بیداری

یا خواب؛

۲۰. و رجعت به دنیا در زمان ظهور آن

حضرت؛

۲۱. و از برادران پیامبر ﷺ خواهد بود؛

۲۲. و فرج مولای ما حضرت صاحب

الزمان ﷺ زودتر واقع می‌شود؛

۲۳. و پیروی از پیغمبر و امامان (صلوات الله

علیهم اجمعین) می‌باشد؛

۲۴. و وفای به عهد و پیمان الهی است؛

۲۵. و آثار نیکی به والدین برای دعاکننده‌ی

فرج حاصل می‌گردد؛

۲۶. و فضیلت رعایت و ادای امانت برایش

حاصل می‌شود؛

۲۷. و سبب زیاد شدن اشراف نور امام ﷺ در

دل او می‌گردد؛

۲۸. و دعا برای فرج موجب طولانی شدن

عمرش خواهد شد، ان شاء الله؛

۲۹. و موفق به تعاون در کارهای نیک و تقوا

می شود؛

۳۰. و نایل به نصرت و یاری خداوند و

پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند می گردد؛

۳۱. و هدایت می شود به نور قرآن مجید؛

۳۲. و نزد اصحاب اعراف معروف می گردد؛

۳۳. و به ثواب طلب علم نایل می شود، ان شاء

الله؛

۳۴. و از عقوبت های اخروی - ان شاء الله - در

امان می ماند؛

۳۵. و هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او

به نرمی رفتار می گردد؛

۳۶. و این دعای برای فرج، اجابت دعوت

خدا و رسول ﷺ است؛

۳۷. و با امیرالمؤمنین علیه السلام محشور و در درجه‌ی

آن حضرت خواهد بود؛

۳۸. و محبوب ترین افراد نزد خداوند

می گردد؛

۳۹. و عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد

پیامبر صلی الله علیه و آله می شود؛

۴۰. و ان شاء الله از اهل بهشت خواهد بود؛

۴۱. و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله شامل حالش می گردد؛

۴۲. هر کردارهای بد او به کردارهای خوب تبدیل می‌شود؛
۴۳. و خداوند در عبادت، او را تأیید می‌فرماید؛
۴۴. و ان شاء الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می‌شود؛
۴۵. و ثواب کمک به مظلوم را دارد؛
۴۶. و ثواب احترام به بزرگ‌تر و تواضع نسبت به او را خواهد داشت؛
۴۷. و پاداش خون‌خواهی حضرت سیدالشهدا علیه السلام را دارد؛
۴۸. و شایستگی دریافت احادیث ائمه‌ی اطهار را می‌یابد؛
۴۹. نور او برای دیگران نیز (در روز قیامت) درخشان می‌گردد؛
۵۰. و هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می‌کند؛
۵۱. و دعای امیرالمؤمنین علیه السلام روز قیامت شامل حالش می‌شود؛
۵۲. و بی حساب داخل بهشت خواهد شد؛
۵۳. و از تشنگی قیامت در امان است؛
۵۴. و در بهشت جاودان خواهد بود؛
۵۵. و مایه‌ی خراش روی ابلیس و مجروح

شدن دل اوست؛

۵۶. و روز قیامت هدیه‌های ویژه‌ای دریافت می‌دارد؛

۵۷. و خداوند عزوجل از خدمتکاران بهشت نصیبش می‌فرماید؛

۵۸. و در سایه‌ی گسترده‌ی خداوند قرار گرفته، رحمت بر او نازل می‌شود؛ تا هنگامی که مشغول آن دعا باشد؛

۵۹. و پاداش نصیحت مؤمن را دارد؛

۶۰. و مجلسی که در آن برای حضرت قائم - عجل الله فرجه - دعا شود، محل حضور فرشتگان خواهد بود؛

۶۱. و دعا کننده مورد مباحات خداوند قرار می‌گیرد؛

۶۲. و فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند؛

۶۳. و از نیکان مردم محسوب می‌گردد؛

۶۴. و این دعا اطاعت از اولیای امر است که خداوند اطاعتشان را واجب کرده است؛

۶۵. و مایه‌ی خرسندی خدای عزوجل می‌شود؛

۶۶. و مایه‌ی خشنودی پیامبر اکرم ﷺ می‌گردد؛

۶۷. و این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است؛

۶۸. و دعا گوی فرج حضرتش، از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت دهد، ان شاء الله تعالی؛

۶۹. و حساب او آسان می گردد؛

۷۰. و این دعا برای او در عالم برزخ، انیس و مونس مهربانی خواهد بود؛

۷۱. و این دعا بهترین اعمال است؛

۷۲. و باعث دوری غمها می شود؛

۷۳. و دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور است؛

۷۴. و فرشتگان درباره اش دعا می کنند؛

۷۵. و دعای حضرت سیدالساّجدین علیه السلام - که

نکات و فواید متعدّدی دارد - شامل حالش می شود؛

۷۶. این دعا، تمسّک به ثقلین (کتاب و عترت) است؛

۷۷. و چنگ زدن به ریسمان الهی است؛

۷۸. و سبب کامل شدن ایمان است؛

۷۹. و مانند ثواب همه ی بندگان به او می رسد؛

۸۰. و این دعا برای فرج از تعظیم شعائر

خداوند است؛

۸۱ و این دعا ثواب کسی را دارد که با

پیامبر ﷺ شهید شده است؛

۸۲ و ثواب کسی را دارد که در زیر پرچم

حضرت قائم ﷺ شهید شده است؛

۸۳ و ثواب احسان به حضرت صاحب

الزمان ﷺ را دارد؛

۸۴ و در این دعا ثواب گرامی داشتن عالم

هست؛

۸۵ و پاداش گرامی داشتن شخص کریم را

دارد؛

۸۶ و در میان گروه ائمه‌ی اطهار محشور

می‌شود؛

۸۷ و درجات او در بهشت بالا می‌رود؛

۸۸ و از بدی حساب در روز قیامت در امان

می‌ماند؛

۸۹ و نایل می‌شود به بالاترین درجات شهدا

در روز قیامت؛

۹۰ و به شفاعت حضرت زهرا ﷺ رستگار

می‌شود.

فصل پنجم

نشانه‌های ظهور



۲۷. آیا قبل از ظهور، نشانه‌ها و علایمی وجود دارد؟

آری، یکی از مسایل غیر قابل انکار، وجود علایم و نشانه‌هایی است که قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد و بر دو نوع است:

۱. علایم حتمی که بدون شك اتفاق می‌افتند و نشان نزدیک بودن ظهور هستند؛
۲. علایم غیر حتمی.

خروج سفیانی، دجال و سید حسنی، آشکار شدن کف دستی در آسمان، صدای آسمانی، خورشید گرفتگی در نیمه‌ی ماه رمضان و گرفتگی ماه در آخر آن، از علایم حتمی هستند.

شیوع فساد، قحطی، زلزله، طاعون، قتل‌های فجیع، آباد شدن کوفه پس از خرابی، خراب شدن مسجد برائا (در نزدیکی بغداد)، منزوی شدن مؤمنان و تسلط کفار و فساق، از علایم غیر حتمی است.^۱

۲۸. آیا این موضوع درست است که حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام از آسمان نزول می‌کند؟

بله. حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در آسمان‌ها زندگی می‌کند و بر حسب روایات، در آخر الزمان به امر خدا از آسمان نزول می‌کند و به امام زمان علیه السلام ایمان می‌آورد و هنگام نماز، امام زمان علیه السلام به ایشان می‌فرماید امام جماعت شود، ولی حضرت عیسی علیه السلام قبول نمی‌کند و می‌فرماید شما امام جماعت باشید، و به امام علیه السلام اقتدا می‌کند. مسیحیان که این صحنه را می‌بینند، مسلمان می‌شوند.

۲۹. دجال کیست و چه خواهد کرد؟

احادیث بسیاری درباره‌ی او هست. او مردی بدهیکل، بسیار زشت و جادوگری ماهر است و

مردم را به وسیله‌ی سحر، دور خود جمع می‌کند. دجال، مروج فساد و هرج و مرج است. تمام آدم‌های فاسد و شیاطین از او راضی هستند. او ادعای خدایی می‌کند و افراد بسیاری را می‌کشد و سرانجام به دست حضرت مهدی علیه السلام کشته می‌شود.

در بعضی از روایات آمده که او اهل اصفهان است و از محله‌ی یهودی‌ها خروج می‌کند. بنا بر بعضی از روایات، او از خراسان خروج می‌کند. اخبار در مورد دجال بسیار افسانه‌ای، نادرست و مشوش است و چندان مورد اعتماد نمی‌باشد و احتمال این که دجال، نمادی از یک فرد یا افراد شرور که جهان را به آتش می‌کشد، نه یک فرد خاص، نیز وجود دارد.^۱

گفته‌اند او با هفتاد هزار یهودی خروج می‌کند و با حضرت علیه السلام می‌جنگد و سرانجام کشته می‌شود.

۳۰. سفیانی کیست و چه می‌کند؟

خروج او از نشانه‌های حتمی است. او از نسل یزید بن معاویه و دشمن شیعه است.

۱. معجم الملاحم، ج ۲، صص ۱۴۴ و ۲۸۱ و ۳۴۸.

وی با صد هزار نفر از شام یا از بین مکه و شام خروج می کند^۱ و به قتل و خونریزی ادامه می دهد. شهرهایی از جمله دمشق و فلسطین را تصرف کرده و در مدینه قتل عام می کند.

سفیانی در ماه رجب خروج می نماید و پس از پانزده ماه جنگ و خونریزی، به دست سپاه حضرت مهدی علیه السلام کشته می شود.^۲

۳۱. سید حسنی کیست؟

او از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام و بسیار مؤمن و فروتن است. او زمانی که ظلم همه جا را فرا گرفته، از طالقان خروج می کند و مردم را به سوی خدا و امام زمان علیه السلام که هنوز ظهور نکرده دعوت می کند و با اهل فساد و ستم مبارزه می نماید و هنگامی که خبر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به او برسد، با اصحاب خود به آن حضرت ملحق می شود و با ایشان بیعت می کند و یاری اش می نماید؛ مگر اندکی از اصحاب او که مانند خوارج، با امام علیه السلام مخالفت

۱. همان، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. همان، ص ۱۴ و ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۵.

می‌کنند و توسط حضرت مهدی علیه السلام به قتل می‌رسند.

۳۲. آیا در احادیث پیرامون ظهور، از جایگاه ایران سخنی به میان آمده است؟

در احادیث آمده است:

«مردی از قم خروج می‌کند و مردم باایمان و مقاوم، همچون پاره‌های آهن گرد او جمع می‌شوند و او مردم را به دین خدا دعوت می‌کند و یارانش او را یاری می‌کنند و از جنگ هرگز خسته نشده و سرانجام پیروز می‌شوند.»^۱

در حدیث دیگری آمده است:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ
سُلْطَانَهُ»^۲

جمعیتی از شرق خروج می‌کنند و زمینه‌ی حکومت مهدی علیه السلام را آماده می‌سازند.

نقش ایرانیان زمینه‌ساز ظهور را با توجه به پیشامدها و حوادثی که ذکر آنها در

۱. سفینه البحار، ماده‌ی قم؛ معجم الملاحم، ج ۴، صص ۱۰۴ و ۱۰۸.

۲. معجم الملاحم، ج ۱، ص ۳۰۹.

روایات آمده است، می توان به چهار مرحله تقسیم نمود:

مرحله ی اوّل: از آغاز نهضت آنان توسط مردی از قم تا ورودشان در جنگ؛

مرحله ی دوم: داخل شدن در جنگی طولانی، تا این که خواسته های خویش را بر دشمن تحمیل می کنند؛

مرحله ی سوم: رد کردن خواسته های نخستین خود که اعلام کرده بودند و رهبری سید خراسانی؛

مرحله ی چهارم: سپردن پرچم اسلام به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام و شرکت جستن آنها در نهضت مقدس آن حضرت.

در برخی از روایات آمده است که ظاهر شدن سید خراسانی و شعیب بن صالح در اثنای جنگ ایرانیان به وقوع می پیوندد؛ به گونه ای که آنها با توجه به طولانی شدن نبردشان با دشمن، خودشان سید خراسانی را به عنوان رهبر امور اجتماعی و سیاسی خود برمی گزینند. گرچه وی از پذیرفتن این منصب خرسند نیست، اما آنها او را رهبر خود قرار می دهند. سپس سید خراسانی، شعیب بن صالح را به فرماندهی نیروهای

مسلح خویش بر می‌گزینند.^۱

۳۳. مقصود از ندای آسمانی که در علایم ظهور آمده، چیست؟

در روایت آمده است: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، منادی از آسمان، این ندا را - که همه جهانیان آن را می‌شنوند - سر می‌دهد:

«أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ»

آگاه باشید که حق با علی و پیروان اوست.

مردم در آخر روز، این ندا را از شیطان می‌شنوند:

«إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ وَ شِيعَتِهِ»

حق با عثمان و پیروان اوست.

مقصود از عثمان، عثمان بن عنبسه؛ یعنی همان سفیانی است.^۲

در حدیث دیگری آمده است: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمایند، نوشته‌ای بر بالای سر حضرت است که اعلام می‌کند: «این مهدی است؛ از او پیروی کنید.»

۱. علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۳۱.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۹.

همچنین در حدیث آمده ابری بر بالای سر
حضرت است که از میان آن منادی ندا می‌دهد:
این، همان مهدی، خلیفه‌ی خداست.^۱

فصل ششم

عصر ظهور

۳۴. آیا تعیین وقت ظهور که از طرف
بعضی‌ها صورت می‌گیرد، صحیح است؟

در احتجاج مرحوم طبرسی رحمته الله از شیخ کلینی رحمته الله
و او از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که من از
محمد بن عثمان رحمته الله که نایب دوم امام زمان علیه السلام بود،
خواهش کردم نامه‌ی مرا که مشتمل بر مسایلی
بود، به ناحیه‌ی مقدسه تقدیم کند و او
پذیرفت. جواب سؤالات من به خط مولا
صاحب الزمان علیه السلام صادر شد که یکی از سؤالات
درباره‌ی ظهور آن حضرت بود، که فرموده
بودند:

«فرج، بسته به اراده‌ی خداوند است و

هر کس وقتی برای آن تعیین کند، دروغ می گوید.^۱

البته باید توجه داشت این که بعضی از بزرگان از نزدیک شدن ظهور آن حضرت خبر می دهند، منافاتی با کلام امام زمان علیه السلام ندارد، چون ایشان تعیین وقت را دروغ دانسته اند و این حرف که ظهور نزدیک شده است، تعیین وقت نیست.

۳۵. آیا امام زمان علیه السلام خودشان وقت ظهور را می دانند؟

از برخی روایات چنین برمی آید که علم زمان ظهور امام زمان علیه السلام همانند علم قیامت، منحصر به خداوند است. شخصی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زمان خروج دجال را پرسید، حضرت جواب دادند: در این باره، سائل و مسؤل یکسان هستیم. یعنی این از اسراری است که فقط خداوند می داند.^۲

همچنین در توقیعی که از ناحیه ی مقدسه در جواب اسحاق بن یعقوب صادر شده است،

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

۲. مهدی موعود: باب سی ام، خطبه ی امیرالمؤمنین؛ به نقل از کمال الدین.

حضرت چنین فرمودند: اما وقت ظهور ما موكول و منوط به اراده‌ی خداوند عزوجل است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند، دروغ گفته است.^۱

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

«هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خدا شریک دانسته و مدعی اطلاع از اسرار الهی شده است. اولیای الهی به دانستن تمام اسرار الهی که در میان این خلق گمراه، پنهان شده است، مخصوص شده‌اند و آن اسرار نزد آنان موجود است.»^۲

عده‌ای برای اثبات این مطلب به حدود علم امام علیه السلام اشاره کرده و علم امام را علمی حضوری و شأنی از شؤون امامت دانسته و گفته‌اند: از آن جا که علم امام علیه السلام متصل به علم الهی از طریق وحی است، لذا امام علیه السلام از غیب آگاه است و زمان ظهور را نیز با آن علم می‌داند.

در جواب باید گفت: اگرچه علم امام علیه السلام

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

علمی حضوری و نشأت گرفته از وحی الهی است، ولی لازمه‌ی امامت، علمی است که در شؤون امامت تأثیرگذار باشد. دانستن احکام دین و بعضی از وقایع خاصه که در امر رهبری جامعه و هدایت آن به سمت خداوند مؤثر است، بر امام علیه السلام لازم است. مثلاً دانستن تعداد موهای یک انسان چه اثری در امامت دارد که لازمه‌ی آن شود. البته علم امام علیه السلام منوط به خواست آنان از خداوند است و اگر از خداوند بخواهند که علم چیزی را به آنها بدهد، خواهد داد.

از این رو، با توجه به بعضی بحث‌های کلامی درباره‌ی علم امام علیه السلام و برخی از احادیث مانند حدیث آخر که ذکر شد، می‌شود نتیجه گرفت که امام علیه السلام به همه‌ی حقایق عالم و آنچه بوده و هست و خواهد بود، آگاه هستند.

امام علیه السلام ظهور را می‌دانند و البته این مطلب با روایاتی که ذکر شد، قابل جمع است، زیرا مقصود آن روایات این است که امام علیه السلام تعیین وقت نمی‌فرمایند، نه این که وقت ظهور را نمی‌دانند.^۱

۱. الشمس المضيئة، باب سوّم، فصل اوّل.

۳۶. لحظه‌ی ظهور چه شرایطی دارد؟

لحظه‌ی ظهور، بسیار دل‌انگیز و زیباست و زبان و قلم از تشریح آن لحظه‌ها ناتوان است؛ تنها به بیان گوشه‌هایی از آنچه در احادیث آمده است، می‌پردازیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

امام زمان علیه السلام در آخرین شب غیبت، به تنهایی وارد کعبه می‌شود و پس از طواف و عبادت، وقتی که همه‌ی مردم به خواب رفته‌اند، جبرئیل و میکائیل با هزاران فرشته بر آن حضرت نازل می‌شوند و می‌گویند:

آقای ما! از هم‌اکنون ما تحت امر تو و مطیع فرمان تویم.

آن گاه آن حضرت در حالی که میان رکن و مقام ایستاده، فریاد می‌زند: ای یاران من! ای یارانی که خداوند شما را برای من ذخیره کرده! ناگهان همه‌ی اصحاب حضرت و امام حسین علیه السلام و یارانش از بستر خوابشان برخاسته، در یک لحظه گرد آقا جمع می‌شوند. آیه‌ی «أَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»^۱ — هر کجا باشید، خداوند همه‌ی

شما را گرد خواهد آورد - اشاره به همین است.^۱

صبح که مردم از خواب بیدار می شوند، درمی یابند فردی در کنار کعبه ایستاده است و جمعی دورش حلقه زده اند، و این صدا را می شنوند:

«هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ بَايَعُوهُ تَهْتَدُوا»؛

این مهدی آل محمد است؛ با او بیعت کنید تا هدایت شوید.^۲

۳۷. یاران آن حضرت چند نفرند و اهل کجا هستند؟

یاران اصلی و خالص آن حضرت ۳۱۳ نفرند؛ به عدد لشگریان رسول خدا ﷺ در جنگ بدر. بنا بر حدیثی، حضرت مهدی علیه السلام تا زمانی که یاران ایشان به حدود ده هزار نفر نرسند، قیام نخواهند کرد.^۳

بنا بر بعضی از احادیث، بیش تر یاران حضرت مهدی علیه السلام عرب نیستند. شمار زیادی از ایرانیان جزء اصحاب خاص آن حضرت هستند؛ به

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

۳. کرامان مرعشیه، ج ۵۲، ص ۳۶۷.

طوری که شهر نیشابور با ۱۵ نفر، قم با ۱۸ نفر و طالقان با ۲۴ نفر بیشترین تعداد یاران امام زمان را در خود جای داده‌اند.^۱

و در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«كَأَنِّي بِالْعَجَمِ وَ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ
يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ»؛ گویا
می‌بینم که ایرانیان در مسجد کوفه، در
خیمه‌های خود مشغول تعلیم قرآن به
همان صورتی که نازل شده است،
می‌باشند.^۲

۳۸. آیا این ۳۱۳ نفر در زمان ظهور زنده
هستند، یا از مردگان هم کسی جزء آنان
هست؟

بسیاری از آنان موقع ظهور زنده‌اند. برخی از
یاران آن حضرت به امر پروردگار، از قبرها
برمی‌خیزند و در رکاب حضرت علیه السلام خواهند بود.
کسی که دعای عهد را چهل روز بخواند،
خداوند او را زنده خواهد کرد تا در رکاب
حضرت مهدی باشد. امام صادق علیه السلام نیز بعضی‌ها
را نام برده‌اند که زنده می‌شوند و امام عصر علیه السلام را

۱. معجم الملاحم، ج ۱، ص ۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

یاری می کنند.

۳۹. پس از ظهور امام زمان علیه السلام چه افرادی به این دنیا باز می گردند؟

این افراد شامل دو دسته می شوند:

الف. کسانی که بی نهایت ظلم کرده اند، زنده می شوند تا حکومت حق را ببینند و از آنان انتقام گرفته شود؛ مانند قاتلان امام حسین علیه السلام؛

ب. کسانی که در ایمان، به نهایت درجه رسیده اند - مانند سلمان، ابوذر و مقداد - تا آن حضرت را یاری کنند و لذت حکومت حق را بچشند.

ممکن است کسانی که در دنیا دعا کرده اند که در رکاب آن حضرت باشند و دعایشان اجابت شده، نیز به این دنیا برگردند؛ مانند افرادی که چهل روز دعای عهد را خوانده اند.^۱

بسیاری از احادیث صراحت دارد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام نیز زنده می شوند؛ بلکه همه ی امامان معصوم علیهم السلام زنده خواهند شد. در زیارت جامعه نیز آمده است:

۱. کافی، ج ۵۳، صص ۳۹ و ۵۲.

«مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ
لِدَوْلَتِكُمْ»^۱

من بازگشت شما را به دنیا باور دارم؛
منتظر امر شما هستم و چشم به راه دولت
شمایم.

امامان پس از شهادت حضرت
مهدی علیه السلام، حکومت خواهند نمود و دیگر
حکومت به دست ستمگران نخواهد افتاد؛
زیرا حکومت آل محمد علیهم السلام در آخرالزمان
است. بنابر احادیث، امام حسین علیه السلام و امامان
دیگر، هر کدام چند هزار سال حکومت
می نمایند.^۲

۴۰. خصوصیات یاران حضرت مهدی علیه السلام
چیست؟

در وصف آن راد مردان عصر مهدی علیه السلام آمده
است:

«آن‌ها مردانی هستند که دل‌هایشان
همانند قطعه‌ای آهن است؛ هرگز دچار
شک و تردید نمی‌شوند؛ در حق خدا از
سنگ سخت‌تر هستند؛ اگر به کوه‌ها حمله

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. ملاحم، ج ۳، ص ۱۰.

برند، از جای بر می کنند؛ با پرچم های خویش به هر شهری روی آورند، آن جا را تحت سیطره ی خود در آورند؛ بر فراز اسب ها چون عقاب چابک و چالا کند؛ برای تیمن و تبرک، زین اسب امام علیه السلام را مسح می کنند و پروانه واز دور شمع وجودش می گردند و خود را سپر جان امام قرار می دهند. آنان شب ها را به شب زنده داری سپری می کنند و در سراسر شب نغمه های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می رسد. آنها زاهدان شب و شیران روزند، و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند.»^۱

۴۱. آیا امام زمان علیه السلام فقط با زبان شمشیر با

دشمنان حرف می زنند؟

برخلاف تصوّر بسیاری از مردم درباره ی قیام امام زمان علیه السلام، زبان ایشان تنها زبان شمشیر نیست، بلکه زحمتی که ایشان برای دعوت مردم به دین می کشند، بسیار زیاد خواهد بود، تا جایی که حجّت بر عامّه ی مردم تمام می شود. علاوه بر آن که حضرت

امام عصر علیه السلام با بیان شیوا و رسا و براهین قاطع و منطقی با آنها صحبت می‌کنند، معجزات و کراماتی نیز برای هدایت آنها نشان داده و برای انتخاب راه صحیح به آنان فرصت می‌دهند.^۱

عده‌ای ایمان می‌آورند و عده‌ای به مخالفت با آن حضرت می‌پردازند. این مخالفان، زبانی جز زبان شمشیر نمی‌فهمند و امام زمان علیه السلام با آنان جنگ نموده، به سزای نافرمانیشان می‌رسانند.

برنامه‌ای که خداوند برای حضرت در نظر گرفته است، پر کردن زمین از عدل و داد است و این مهم جز با سرکوبی معاندان و ظالمان میسر نیست و رویه‌ی حضرت نیز برای نیل به این هدف، با روش اجداد خویش فرق می‌کند؛ چرا که ایشان در همان ابتدای قیام، سیصد و سیزده نفر فدایی و یار مخلص خواهند داشت که بعداً تعداد لشکر ایشان به ده هزار نفر رسیده، قیام آغاز می‌شود.^۲

۱. حق‌الیقین، ص ۳۶۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۴۲. در زمان قیام، امام زمان علیه السلام چگونه با

اسب و شمشیر در مقابل سلاح‌های پیشرفته

مبارزه می‌نمایند؟

یکی از مسایلی که در قیام امام زمان علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته، قیام آن حضرت با شمشیر و اسب است. شاید این سؤال در ذهن بیاید که مگر با شمشیر و نیزه و... می‌شود در مقابل بمب‌های اتمی و شیمیایی و... مبارزه کرد؟! همین امر بسیاری را بر این داشته است که بگویند شمشیر در این روایات، نماد اسلحه و قدرت است؛ یعنی امام زمان علیه السلام با سلاح‌های قدرتمند روز به مبارزه علیه استکبار و حکومت‌های ظالم خواهند رفت.

چنین جوابی با مشکل مواجه است و آن کشته شدن انسان‌های بی‌گناه در جنگ‌هاست. قدرت تخریب این بمب‌ها به حدی است که با یک بمب کوچک که اولین بمب اتمی به کار رفته در جنگ بود، حدود دویست هزار نفر در شهر هیروشیما جان باختند. اکنون که ده‌ها سال از آن زمان می‌گذرد، بمب‌های قوی‌تری ساخته شده‌اند که میلیون‌ها نفر را تهدید

می/کنند. چگونه ممکن است که امام زمان علیه السلام از چنین سلاحی در برابر دشمنان استفاده کنند؟!

از روایتی که در خرائج از امام صادق علیه السلام نقل شده است، که از بیست و هفت جزء علم، بیست و پنج جزء آن نزد امام زمان علیه السلام است، می توان استفاده کرد و چنین گفت که در آن زمان با علم آن حضرت، تمام این سلاح ها که مظهر ظلم هستند، از بین رفته، علاوه بر آن که پیشرفت های علمی دیگری در زمینه های ارتباطات و صنایع مورد نیاز صورت خواهد گرفت، آن حضرت به گونه ای جنگ خواهند نمود که غیر از دشمنان حضرت، اشخاص دیگر آسیب نیند.

علاوه بر این ها، روایات بسیاری ظهور بر این دارند که زره پیامبر صلی الله علیه و آله بر تن آن حضرت و ذوالفقار - شمشیر حضرت علی علیه السلام - همواره سلاح امام زمان علیه السلام است.^۱

مرحوم آیت الله سعادت پرور در کتاب شریف «الشموس المضيئة» در این باره

۱. مهدی موعود، باب سی و یکم، ص ۱۰۹۹.

می فرماید: با توجه به ظاهر روایات، چاره‌ای نیست جز این که بگوییم: آلات و ابزارهای معمول و رایج در زمان ما و یا آنچه از وسایل جنگی و ارتباطی پیشرفته که در آینده خواهد بود، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به سبب علت‌های معنوی یا ظاهری و مادی بدون استفاده خواهد ماند و در هر حال فقط خداوند به حقیقت اوضاع آگاه است.^۱

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی به این سؤال چنین جواب داده‌اند:

اولاً، مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلای کلمه‌ی حق است؛

ثانیاً، از کجا معلوم که در زمان ظهور آن حضرت، این اسلحه‌های مهیب در اختیار بشر باقی باشد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوب‌ها و انقلابات شدید و جنگ‌های خانمان‌سوز که پیش از ظهور واقع می‌شود، دو سوم بشر نابود شوند^۲ و کسی باقی نماند که از این سلاح‌ها استفاده

۱. الشموس المضيئة، باب سوم، فصل پانزدهم.

۲. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۵، ص ۴۵۲.

کند یا آن‌ها را تهیه نماید.^۱

۴۳. حضرت امام عصر علیه السلام با یاران اندک خود، چگونه در مقابل سیل دشمنان پیروز می‌شوند؟

اولاً، اراده‌ی خداوند بر پیروزی حق است. بنابراین، حضرت مهدی علیه السلام بر دشمنان پیروز می‌شوند؛ همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله با ۳۱۳ نفر، در جنگ بدر بر دشمن قوی پیروز شدند. ثانیاً، قرآن می‌فرماید:

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»

چه بسا اندکی که با اذن خدا بر دشمنان بسیار پیروز شوند.^۲

ثالثاً، بنا بر روایات، خداوند ملائکه را به کمک حضرت مهدی علیه السلام می‌فرستد.^۳

رابعاً، خداوند توان و نیرویی فوق‌العاده به یاران آن حضرت عطا می‌کند، ترس را از دلشان بیرون می‌برد، قلب‌های آنان را همانند پاره‌های آهن محکم می‌گرداند و به هر کدام نیروی چهل نفر را عطا می‌کند.^۴

۱. پاسخ به ده پرسش، پرسش سوم.

۲. بقره، ۲۴۹.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶.

۴. همان، ص ۳۱۷.

علاوه بر آن، اصحاب آن حضرت منحصر به ۳۱۳ نفر نیست؛ بلکه آن حضرت یاران بسیاری داشته و هنگام قیام دست کم ده هزار نفر نیرو دارند.^۱

فصل هفتم

حکومت مهدوی



۴۴ . امام عصر علیه السلام در کجا تشکیل حکومت می دهند؟

امام عصر علیه السلام با تمام حکومت های جائز و ناحق مبارزه می کنند و حکومتی جهانی بر مبنای عدالت و احکام نورانی اسلام و قرآن تشکیل می دهند.

امام زمان علیه السلام کوفه را که مقرر خلافت امیر مؤمنان علیه السلام بوده، به عنوان مقرر خلافت خود انتخاب خواهند کرد.^۱

کوفه در آن زمان به قدری بزرگ می شود که خانه های آن به نهر کربلا - که اکنون نزدیک به صد کیلومتر فاصله دارد - متصل می گردد.

در آن دوران چون مسجد کوفه ظرفیت آن جمعیت عظیم را ندارد، توسعه می یابد یا مسجد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸.

دیگری بنا می‌شود که هزار در خواهد داشت. زمین کوفه در آن زمان آن قدر گران خواهد شد که معادل یک وجب زمین کوفه، طلا می‌دهند.^۱

۴۵. آیا از ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی، مواردی بیان گردیده است؟

حکومت حضرت ویژگی‌های بسیاری دارد که قابل مقایسه با هیچ حکومتی نیست، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. در حکومت آن حضرت، چنان امنیتی حاکم است که حتی درندگان نیز به کسی یا خودشان آسیبی نمی‌رسانند و اگر خانمی تنها با اموال خودش از کوفه به شام برود، خطری او را تهدید نمی‌کند.

ب. حکومت آن حضرت جهانی است:

«يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛^۲ دایره‌ی

حکمت امام عصر علیه السلام شرق و غرب عالم

را فرا می‌گیرد.

ج. رفاه عمومی حاکم شده و فقر ریشه کن

می‌شود. زمین، تمام ذخایر خود را بیرون می‌ریزد

و تمام امکانات به صورت عادلانه تقسیم

۱. همان، صص ۳۳، ۳۲۴، ۳۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

می‌گردد؛ به گونه‌ای که فقیر وجود نخواهد داشت. وقتی کسی مراجعه می‌کند و چیزی می‌خواهد، آن حضرت می‌فرماید: «هرچه لازم داری، خودت بردار.»

بدهکاران زکات به دنبال نیازمند می‌گردند که زکات مال خود را بدهند؛ ولی نیازمندی نمی‌یابند. د. حکومت آن حضرت بر مبنای اسلام، قرآن و دین است. حضرت مهدی علیه السلام احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله خواهند بود و همه‌ی ارزش‌های از دست رفته و حدود تعطیل شده را به اجرا می‌گذارند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا
الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ»^۱

خداوندا! ما به تو امید بسته‌ایم که در دولت کریمه، اسلام را عزیز و نفاق را خوار گردانی.

هم‌اجرای عدالت از ویژگی‌های بارز حکومت مهدی علیه السلام است؛ به گونه‌ای که در عالم نظیرش یافت نمی‌شود:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۲

زمین را از عدالت پر می‌کند.

۱. دعای افتتاح، کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۴۶. آیا حضرت در مقام اجرای عدالت، به شیوه‌ی دستگاه قضایی و قوانین قضایی عمل می‌کنند؟

خیر. حضرت مهدی علیه السلام به سیره‌ی حضرت داوود حکم خواهند کرد؛ یعنی به علم خود عمل می‌کنند و نیاز به دلیل، شهود، سند و مدرک ندارند.

بنابراین، کسانی که حَقشان ضایع شده؛ ولی سند و مدرک ندارند و نمی‌توانند حق خود را ثابت کنند، از شیرینی عدالت بهره‌مند می‌شوند و به حَقشان می‌رسند.^۱

۴۷. نقش ۳۱۳ نفر یاران خاص آن حضرت در حکومت ایشان چه خواهد بود؟

آنان نقش فرماندهی و مدیریتی دارند. بدیهی است وقتی حکومتی بخواهد گره‌ی زمین را اداره کند و تنها حکومت روی زمین باشد، مرکز حکومت را در نقطه‌ای (مثلاً کوفه) قرار خواهد داد و افرادی را حاکم دیگر نقاط عالم قرار می‌دهد؛ برای مثال، یک نفر را حاکم ایران قرار می‌دهد، یک نفر را حاکم حجاز و...
بنابراین، هریک از ۳۱۳ نفر در نقطه‌ای به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

عنوان حاکم، آن منطقه را تحت فرماندهی کل و حکومت مرکزی امام زمان علیه السلام اداره می نمایند. البته یاران آن حضرت بسیار بیش تر از این تعدادند و این تعداد، نخبگان مورد اعتماد و مدیران اصلی هستند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يُخْرَجُ فِيهَا الْقَائِمُ وَهُمْ
النُّجَبَاءُ وَالْفُقَهَاءُ وَهُمْ الْحُكَّامُ وَالْقُضَاءُ
يَمْسَحُ بِطُونِهِمْ وَظُهُورَهُمْ لَا يَسْتَلُّ عَلَيْكُمْ
حَكْمًا»^۱

این تعداد (۳۱۳ نفر) کسانی اند که حضرت قائم علیه السلام با آنان ظهور می کند و آنان از بزرگان و فقیهان هستند. آنان فرمانروا و قاضی هستند. حضرت مهدی علیه السلام دستی بر پشت و سینه ی آنان می کشند تا در مقام قضاوت و اداره ی امور، نیاز به سؤال نداشته باشند.

۴۸. آیا زنان در دولت حضرت مهدی علیه السلام

نقشی دارند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: سیزده زن با امام عصر علیه السلام هستند که به او و نهضت او کمک

می کنند؛ به خصوص در درمان بیماران؛ چنان که رسول خدا از زنان در جنگ‌ها استفاده می کرد.^۱
در بعضی از احادیث آمده است که پنجاه زن در میان یاران ویژه‌ی حضرت هستند.

۴۹. حکومت امام زمان علیه السلام چند سال طول خواهد کشید؟

روایات در این زمینه مختلف است:

در روایتی ۱۹ سال آمده است.^۲

در روایتی ۴۰ سال.^۳

در روایت دیگری ۳۰۹ سال.^۴

و دیگری ۷۰ سال.^۵

این اختلاف به دلیل اختلاف زمان در دوران ظهور است و شاید برخی از روایات در صدد بیان دوران حکومت آن حضرت و سایر ائمه علیهم السلام بعد از رجعت باشد و ممکن است روایاتی که طول دوران زندگی یا حکومت ایشان را ذکر کرده است، به دوره‌ی رجعت ایشان بعد از شهادت مربوط باشد. البته علم واقعی نزد خداست.^۶

۱. ملاحم، ج ۴، ص ۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۴.

۴. همان، ص ۵۱۶.

۵. همان، ص ۵۲۸.

۶. الشموس المضيئة، باب سوم، فصل بیست و یکم.

فصل هشتم

شبهه‌ها و سوالات دیگر



۵۰. آیا امام زمان علیه السلام به شهادت خواهند رسید؟

طبق روایات، تمام ائمه یا با سمّ و یا با شمشیر به شهادت می‌رسند.^۱

از این رو، روایاتی نیز که در آنها تعبیر فوت و موت امام زمان علیه السلام شده،^۲ به معنای از دنیا رفتن با شهادت است. ولی در این مورد که قاتل حضرت چه کسی است، روایت معتبری نیست. در بعضی از روایات ضعیفه از زن عجزه‌ای سخن به میان آمده است، که این روایات به جهت ضعف، قابل اعتماد نیست.

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۲. حق‌الیقین، صص ۳۵۰ - ۳۵۱، به نقل از کافی و انوار مضمیة.

۵۱. غسل و کفن و دفن امام زمان علیه السلام بر عهده‌ی چه کسی خواهد بود؟

بنا بر روایات معتبر، تجهیز و نماز خواندن و دفن امام معصوم علیه السلام را فقط امام معصوم دیگر می‌تواند انجام دهد.

درباره‌ی امام زمان علیه السلام نیز آمده است که امام حسین علیه السلام که اولین رجعت‌کننده هستند و پس از حضرت مهدی علیه السلام حکومت خواهند کرد، آن حضرت را غسل داده، کفن و حنوط کرده، بر ایشان نماز خوانده، سپس آن حضرت را به خاک خواهند سپرد.^۱

۵۲. آیا اعتقاد به مهدویت، مردم را از عمل خیر باز می‌دارد؟

قبل از هر چیز باید عقیده به مهدویت و انتظار مهدی موعود (عج) را معنا کرد.

اگر مقصود از عقیده به مهدویت آن باشد که انسان به انتظار ظهور کسی بنشیند که به سبب فراگیر شدن ظلم، با ظهورش به تنهایی همه‌ی امور را اصلاح می‌کند و ما هیچ نقشی در ظهور او نداریم، بلکه می‌توانیم با گسترش ظلم در ظهور او تعجیل کنیم، با این دیدگاه می‌توان

گفت که اعتقاد به مهدویت، انسان را از عمل خیر باز می‌دارد.

ولی اگر برداشت ما از اعتقاد به مهدویت، عقیده به ظهور کسی است که ما می‌توانیم با زمینه‌سازی برای او، در ظهورش تعجیل کنیم و اگر تأخیر در آن شده، به جهت کوتاهی ما است؛ نه تنها این عقیده انسان را از عمل خیر باز نمی‌دارد، بلکه در عمل کردن به خیر نیز تشویق خواهد نمود، زیرا منتظران مصلح، خود افرادی صالح هستند. لذا در روایات اسلامی، انتظار فرج از مقوله‌ی عمل و از افضل اعمال امت اسلامی به حساب آمده است.

۵۳. مگر می‌شود مقام امامت را به یک

کودک پنج ساله داد؟

نبوت، مقام ارجمندی است که شخص واجد آن مقام با حق تعالی ارتباط و اتصال داشته و از افاضات و علوم غیبی برخوردار می‌شود؛ احکام و قوانین الهی بر باطن و قلب نورانی‌اش وحی و الهام می‌گردد و پیامبر در حالی آنها را دریافت می‌کند که از هر گونه خطا و اشتباهی معصوم است. امامت و ولایت نیز مقام بزرگی است که واجد آن مقام، طوری احکام خدایی و علوم

نبوت را تحمل و ضبط می کند که خطا و نسیان و عصیان در ساحت وجود مقدسش راه ندارد و همواره با عوالم غیبی مرتبط است و از افاضات و اشراقات الهی بهره مند می گردد. به دلیل علم و عمل، پیشوا و امام و مظهر دین و حجت خداوند است.

پیغمبر و امام از حیث آفرینش ممتازند و به واسطه‌ی همین استعداد و امتیاز ذاتی، خداوند متعال آنان را به مقام شامخ نبوت یا امامت انتخاب می کند. این امتیاز از همان آغاز کودکی در وجود آنان موجود است و هر وقت که شرایط موجود بوده و مانعی در کار نباشد، آن افراد رسماً به مقام و منصب نبوت و امامت معرفی می شوند و مأمور حفظ و تحمل احکام می گردند.

این انتصاب، گاهی قبل از بلوغ و گاهی در زمان دیگری بعد از بلوغ انجام می گیرد؛ چنان که حضرت عیسی علیه السلام در گهواره با مردم سخن گفتند و خودشان را پیغمبر و صاحب کتاب معرفی کردند.^۱

اتفاقاً حضرت امام جواد علیه السلام نیز در سن هفت

یا نه سالگی به امامت رسیدند و به دلیل کمی سن، امامت آن حضرت در بین بعضی از شیعیان مورد تردید واقع شد. لذا گروهی از بزرگان شیعه خدمت ایشان رسیدند و صدها مسأله‌ی مشکل پرسیدند و جواب‌های صحیح و قانع‌کننده‌ای دریافت نمودند و کراماتی نیز مشاهده کردند که شک و شبهه‌ی آنان برطرف شد.

امام رضا علیه السلام پیوسته امام جواد علیه السلام را به عنوان امام معرفی می‌کردند و در مقابل تعجب مخاطبان می‌فرمودند: حضرت عیسی علیه السلام هم در سن کودکی پیغمبر و حجّت خدا شد.^۱

امام علی النقی علیه السلام نیز در سن شش سالگی به امامت رسیدند.^۲

با این بیان، سؤال‌کننده‌ی باانصاف، قانع شده و دیگر شبهه‌ای برایش در این خصوص باقی نخواهد ماند.

۵۴. آیا طول عمر امام زمان علیه السلام توجیه‌پذیر است؟

در پاسخ به این سؤال، از دو مطلب صحبت می‌شود: یکی «امکان» و دیگری «وقوع».

۱. اثبات الوصیة، ص ۱۶۶.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۰۱.

امکان، یا عملی است یا علمی یا منطقی.
 امکان عملی آن است که امری آن قدر عادی
 شود که هر کسی عادتاً قابلیت آن را داشته باشد.
 مثلاً با پیشرفت‌های علمی، سفر به ماه، ممکن
 عملی است.

امکان علمی هم آن است که از لحاظ علمی،
 محال نباشد؛ اگرچه در عالم خارج وجود نداشته
 باشد. مثلاً رفتن به خورشید امکان علمی ندارد،
 ولی مثلاً مسأله‌ی شیه‌سازی ممکن علمی است.

امکان منطقی نیز آن است که مانعی برای
 تصور وقوع امری، پیدا نشود. مثلاً سه درهم را
 نمی‌شود بین دو نفر به صورت مساوی تقسیم
 کرد، بدون آن که تغییری در یکی از درهم‌ها
 بدهیم، زیرا سه، فرد است و قابلیت تقسیم به زوج
 را ندارد.

حال به مسأله‌ی طول عمر برمی‌گردیم و
 می‌بینیم که طول عمر بشر، هم امکان عملی دارد
 و هم علمی و منطقی، زیرا عقل مانعی در این
 نمی‌بیند تا امر به محال بودن کند. از لحاظ علمی
 هم امروزه متخصصان علم ژنتیک، در
 آزمایش‌های خود به این نتیجه دست یافته‌اند که
 سلول‌های جسم انسان اگر در شرایط مناسب و با
 مواظبت‌های بهترین نگهداری شوند، عمرشان

بسیار طولانی‌تر خواهد بود و اثرات پیری در آن‌ها دیده نمی‌شود.

علاوه بر این مطالب، گفته می‌شود که بهترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع آن در عالم خارج است.

تاریخ، نمونه‌های فراوانی از افرادی را که عمر طولانی داشتند، در خود ثبت کرده است. برای مثال، بنا بر نص صریح قرآن، حضرت نوح علیه السلام مدت ۹۵۰ سال، بین قومش تبلیغ دین کرد^۱ و بعضی از مورخان عمر ایشان را تا ۲۵۰۰ سال نوشته‌اند. این افراد که در تاریخ به «معمّرین» معروف هستند، به قدری زیادند که با دیدن آن‌ها، هیچ شبهه‌ای برای کسی که انصاف داشته باشد، باقی نمی‌ماند.

علاوه بر این‌ها، روایات زیادی نیز درباره‌ی طول عمر امام زمان علیه السلام و طولانی شدن غیبت آن حضرت، از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام صادر شده است.^۲

۵۵. فواید امام غایب برای مردم چیست؟

گفته می‌شود که زندگی امام در عصر غیبت،

۱. عنکبوت، ۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، صص ۱۰۹ و ۱۳۲.

یک زندگی خصوصی محسوب می‌شود؛ در صورتی که یک امام و پیشوا باید در بین مردم و در اجتماع مسلمین باشد. با این وضع، حق داریم بپرسیم که امام غایب چه فایده‌ای می‌تواند برای مردم داشته باشد؟

باید دانست که مفهوم غایب بودن امام مهدی علیه السلام این نیست که وجود نامرئی دارند و به یک وجود پنداری شبیه‌تر از یک وجود عینی باشند، بلکه ایشان نیز از یک زندگی طبیعی عینی خارجی برخوردار هستند و تنها استثنایی که در زندگی آن حضرت وجود دارد، عمر طولانی است؛ و گرنه آن وجود نازنین در جامعه‌ی انسانی به طور ناشناس زندگی می‌کنند.

بعد از بیان این مسأله که حضرت مهدی علیه السلام یک پندار نیست، بلکه یک حقیقت عینی است، می‌گوییم: اگر چه حضور شخصی امام علیه السلام در بین مردم سبب می‌شود که مسلمانان از برکات بیش‌تر و در سطح بسیار وسیع‌تری بهره‌مند شوند، ولی این چنین نیست که اگر شخص امام علیه السلام غایب بود، هیچ‌گونه فایده و ثمره‌ای برای امت اسلام و مردم نداشته باشد؛ بلکه مردم را تحت نفوذ شخصیتی خود می‌گیرد.

در احادیث متعددی که درباره‌ی فلسفه و

فایده‌ی وجود امام علیه السلام در دوران غیبت به ما رسیده است، فواید گوناگونی را برشمرده‌اند، که به طور اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. امام غایب علیه السلام، واسطه‌ی فیض و امان اهل زمین: گفته شد که امامان معصوم علیهم السلام و امام زمان علیه السلام امان اهل زمین‌اند و اگر زمین از این حجت‌های الهی خالی بماند، دنیا و اهلیش نابود خواهند شد. لذا وجود امام علیه السلام موجب برکات بسیاری است؛ حال به ظاهر حاضر باشند یا غایب، فرقی در این زمینه نمی‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رمز و راز این مسأله را با بیانی نغز و پر معنی بیان کرده و در پاسخ این پرسش که وجود مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه فایده‌ای دارد، می‌فرمایند:

«آری، به خداوندی که مرا به پیامبری مبعوث کرده است؛ آنها از وجود او منتفع می‌شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می‌گیرند؛ چنان که از آفتاب پشت ابر استفاده می‌برند.»^۱

حضرت صاحب امر علیه السلام در این باره فرموده‌اند:
«همان طور که از خورشید که توسط

ابرها پنهان شده بهره گیری می شود، از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می برند. و همانا من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم؛ چنان که ستارگان امان اهل آسمانند.»^۱

۲. اثر امید بخشی به مسلمین: ایمان و اعتقاد به امام غایب علیه السلام سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امام می گردد. جامعه ی شیعی، طبق اعتقاد خویش به امام شاهد و زنده، همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را - که صد غافله دل همراه اوست - می کشد. هر چند او را در میان خود نمی بیند، اما خود را تنها و جدای از او نمی داند. اگر این رهبر اصلاً وجود خارجی نداشته باشد و علاقه مندان مکتب انسان سازش در انتظار تولد و پرورش او در آینده باشند، وضع بسیار فرق می کند.

باری؛ امام غایب علیه السلام همواره مراقب حال و وضع شیعیان خویش می باشد، و همین مسأله باعث می گردد که پیروان به امید لطف و عنایت حضرت، برای رسیدن به یک وضع مطلوب

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵.

جهانی تلاش کرده و در انتظار آن منتظر به سر
برند؛ چنان که خود فرمودند:

«ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی
نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم. پس
تقوای الهی پیشه کنید و ما را یاری نمایید
تا از فتنه‌ای که به شما روی می‌آورد، شما
را نجات بخشیم.»^۱

۳. پاسداری از آیین اسلام و دین خدا:
از جمله آثار و فواید امام غایب علیه السلام این است
که عاشقان و سربازان آن حضرت، خود را به
امید عصر ظهور، برای دفاع از دین آماده
می‌نمایند.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«به برکت آن امام، گروهی از مردم برای
دفاع از دین و در کوبیدن فتنه‌ها آماده
می‌شوند؛ چنان که شمشیر و تیر به دست
آهنگر تیز می‌گردد. چشم آن‌ها به
واسطه‌ی قرآن روشن است، تفسیر و
معانی قرآن در گوششان گفته می‌شود، و
شب و روز از جام حکمت الهی سیراب
می‌شوند.»^۲

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. نهج البلاغه، صبحی سالم، خطبه‌ی ۱۵۰، ص ۲۰۸.

۵۶. چه می‌شد اگر غیبت نمی‌بود و امام زمان علیه السلام در آخر الزمان متولد می‌شدند و پس از رشد جسمی و فکری مردم قیام می‌کردند؟

در این باره سه نکته را باید مد نظر داشت:

۱. زمین هرگز نباید خالی از حجّت خدا باشد، زیرا بنا بر روایات، «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۱ اگر حجّت خدا روی زمین نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد.

پس تمام هستی به واسطه‌ی حجّت خداوند برپاست. اگر منظومه‌ی شمس‌ی در حرکت است، درخت میوه می‌دهد، زمین می‌روید، آسمان می‌بارد، و یا همه‌ی هستی و تحولات و فیوضات آن ادامه دارد، همه به برکت وجود مقدّس امام معصوم و حجّت خداست. از این رو، در زیارات می‌خوانیم:

«بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ
الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا وَ بِكُمْ تَنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ
رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكُرْبَ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ
اللَّهُ الْغَيْثَ.»^۲

۲. بی‌گمان، اگر حضرت مهدی علیه السلام از نظرها

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

پنهان نمی‌شدند و مانند اجداد طاهرین خود در میان مردم بودند و شناخته می‌شدند، ایشان را به قتل می‌رساندند؛ چنان که پس از شهادت پدر به خانه‌ی او هجوم بردند و همه جای خانه را بازرسی و تفتیش نمودند.

۳. حکمت خداوند این است که حضرت مهدی علیه السلام حکومت اسلامی جهانی تشکیل دهند و انتقام تمام مظلومان را از ستمگران بگیرند و جهان را از عدالت پر سازند! بر این اساس، چاره‌ای نیست جز این که حجّت خدا در جهان وجود داشته باشد، تا زمین از حجّت خالی نباشد، و از نظرها غایب باشد تا به قتل نرسد، و بماند تا در وقت خود، که خداوند اجازه دهد، ظهور کند و زمین را از عدالت و حق پر سازد.

۵۷. یکی از نشانه‌های ظهور امام زمان، فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا باید با تهاجم فرهنگی مبارزه شود؟

اسلام، دین مبارزه با فساد و تباهی و دین امر به معروف و نهی از منکر است. وقتی که حضرت مهدی علیه السلام تشریف بیاورند، مهم‌ترین کار ایشان همین است؛ فساد را بر می‌دارند و خرافات را می‌زدایند و زورگویان را سر جای خودشان

می‌نشانند و جلوی انواع گناهان را می‌گیرند.
 اگر ما که از شیعیان و طرفداران حضرت
 هستیم، اهل گناه و فساد شویم و بگذاریم تهاجم
 فرهنگی، ما و خانواده‌ها را تهدید کند و از خدا و
 دین دور سازد، آن وقت از دشمنان حضرت
 می‌شویم و وقتی که ایشان تشریف بیاورند، با ما
 مبارزه می‌کنند. کسی که با امام زمانش بجنگد،
 اهل دوزخ خواهد بود.

بنابراین، یک مسلمان مؤمن در عین این که
 منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و باید دعا
 کند که حضرت ظهور نمایند و توفیق شهادت در
 رکاب ایشان را بیابد، باید با ظلم و فساد و گناه
 مبارزه کند، و این وظیفه‌ی واجب همگان است.
 انتظار ظهور به معنای آمادگی و آماده‌باش
 است، نه به معنای گسترش دادن فساد و ظلم و
 جور. آیا این عاقلانه است که منتظران مهدی علیه السلام
 برای این که حضرت زودتر تشریف بیاورند، ظلم
 و فساد را گسترش دهند و احیاناً خود نیز اهل
 فساد باشند؟! در این صورت، آیا می‌توان گفت:
 این فرد منتظر ظهور عدالت است؟

ثانیاً، گسترش فساد و ظلم و تهاجم فرهنگی،
 علت قیام حضرت نیست، بلکه علامت نزدیک
 شدن قیام است. علت با علامت تفاوت دارد.

علت قیام حضرت مهدی علیه السلام اجازه و دستور خدا است. هر وقت که خدا صلاح بداند، به حضرت دستور خواهد داد که قیام کنند. البته قیام در زمانی خواهد بود که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد و همه‌ی مردم دنبال فریادرسی باشند. پس باید بین علت و علامت فرق بگذاریم. اگر همه گناهکار شویم و بگذاریم فساد و گناه جامعه را فراگیرد، باز علت و اسباب قیام حضرت را فراهم نکرده‌ایم، چون علت قیام حضرت، اذن و اجازه‌ی خدا است.

۵۸. چه شباهت‌هایی میان پیامبران و امام زمان علیه السلام وجود دارد؟

۱. شباهتش به آدم و نوح علیهم السلام طول عمر آن حضرت است.
۲. شباهتی به یونس علیه السلام دارد که بعد از پیری، به صورت جوانی به سوی قومش برگشت.
۳. شباهتش به یوسف علیه السلام، پنهان بودن او از آشنایان خویش است، با آن که مسافت بین او و آنها کم بود.
۴. شباهتی به صالح نبی علیه السلام دارد و آن چند دسته شدن قومش در مدت دوری اوست.
۵. شباهتش به خضر و ذوالقرنین علیهم السلام طولانی

شدن غیبت است.

۶. شباهتی به ابراهیم و موسی علیهم السلام دارد و آن پنهان بودن ولادت او و غیبت و دوری گزیدن از قومش است. سنتی نیز از موسی علیه السلام دارد که انتظار اذن از طرف خداوند برای قیام است.

۷. شباهتی به عیسی علیه السلام دارد و آن اختلاف مردم درباره‌ی زنده بودن یا مردن آن حضرت است.

۸. شباهتش به جدش در نام و کنیه و قیام با شمشیر است.^۱

۵۹. دعای ندبه چه تناسبی با امام زمان علیه السلام

دارد؟

دعای ندبه از دعاهایی است که در اعیاد اسلامی، از جمله در نیمه‌ی ماه شعبان - روز ولادت امام عصر علیه السلام - و روز عید فطر و عید قربان و جمعه خوانده می‌شود. این دعا مضامین عالی داشته و تقریباً سه بخش دارد، که بخش اول آن تاریخچه و مصائبی است که بر اسلام و اهل بیت علیهم السلام وارد شده و قسمت دوم آن معرفی امام

۱. مهدی موعود، باب هیجدهم، ص ۴۷۸؛ الشموس المضيئة، باب سوم، فصل ششم؛ آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی در «مکیال المکارم» شباهت‌های حضرت را به پیامبران بیان کرده است، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶.

عصر ع و قسمت سوم آن ترکیبی از دعا و تضرع و ناله به پیشگاه امام عصر ع است. بیش‌ترین قسمت دعا، متناسب با امام عصر ع و فریادخواهی از ایشان است.

۶۰. چرا روز جمعه متعلق به امام زمان ع شده است؟

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام عصر ع دارد:

اولاً، ولادت با سعادت آن حضرت، روز جمعه بوده است و ثانیاً، ظهور آن حضرت طبق روایات، در آن روز خواهد بود و انتظار فرج در آن روز بیش‌تر از روزهای دیگر است و در زیارت مختصه‌ی آن حضرت در روز جمعه آمده است که:

«... هذا يومُ الجمعة و هو يومُك المتوقَّعُ فيه

ظهورك...»؛

این روز جمعه است و آن روز توست که

در آن ظهور تو انتظار کشیده می‌شود.

و این که روز جمعه عید شمرده شده، به همین

جهت است.

در بعضی از روایات، از حضرت

صاحب‌الزمان ع تعبیر به جمعه شده، که کنایه از

شخص شریف آن حضرت است. امام علی النقی علیه السلام در شرح حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرموده‌اند: «با روزها دشمنی نکنید که آن‌ها هم با شما دشمنی خواهند کرد»، چنین فرمودند:

«روزها ماییم؛ مادامی که آسمان‌ها و زمین به‌پاست: شنبه، اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکشنبه، امیرالمؤمنین علیه السلام و دوشنبه، حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه، علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام و چهارشنبه، موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و من (علی بن محمد) و پنجشنبه، فرزندانم حسن علیه السلام و جمعه، فرزند فرزندانم است که اهل حق به سوی او جمع می‌شوند.»^۱

طبق روایات، اوقاتی مخصوص امام عصر علیه السلام

است:

اوّل: شب قدر؛

دوم: روز جمعه؛

سوم: روز عاشورا؛

چهارم: از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب هر

روز؛

۱. مفاتیح الجنان، باب اول، فصل پنجم؛ به نقل از جمال الاسبوع.

- پنجم: عصر دو شنبه؛
ششم: عصر پنج شنبه؛
هفتم: شنب و روز نیمه‌ی شعبان؛
هشتم: نوروز.^۱

۱. نجم الثاقب، باب یازدهم.

سوالات گزینهای



۱. حضرت مهدی (عج) در چه سنت‌هایی با حضرت ابراهیم و حضرت ایوب شباهت دارد؟

- الف) تولد پنهانی - ترس و غیبت
- ب) طول عمر - گشایش و فرج بعد از امتحان
- ج) تولد پنهانی - گشایش و فرج بعد از امتحان

۲. این سخن ارزشمند از کیست؟ «قائم ما کسی است که چون خروج کند، در سن پیران و سیمای جوانان است و عصای موسی و انگشتر سلیمان را همراه دارد.»

الف) امام کاظم علیه السلام

ب) امام رضا علیه السلام

ج) امام صادق علیه السلام

۳. از شگفتیهای ولادت امام زمان (عج) کدام مورد ذیل می باشد؟

- الف) نورانی شدن خانه امام حسن عسکری علیه السلام
 ب) خواندن سوره قدر در شکم مادر
 ج) هر دو مورد

۴. این معنی کدام لقب امام زمان (عج) می باشد؟ «او مردم را به امری که گم کرده اند، هدایت می کند»

- الف) مهدی
 ب) منصور
 ج) بقیه الله

۵. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام چه کسی داعیه جانشینی ایشان را داشت؟

- الف) جعفر کذاب
 ب) حضرت مهدی (عج)
 ج) معتمد عباسی

۶. کدام یک از عوامل ذیل از دلائل غیبت امام زمان (عج) بشمار می رود؟

- الف) عمل نامقبول مردم
 ب) فشار طاغوتیان
 ج) هر دو مورد

۷. غیبت صغری حضرت مهدی (عج) چند سال بطول انجامید؟

الف) کمتر از ۶۰ سال

ب) بیشتر از ۶۰ سال

ج) در حدود ۶۰ سال

۸. کدام یک از نواب حضرت مهدی (عج)، ۲۱ سال نیابت آن حضرت را عهده‌دار بود؟

الف) محمد بن عثمان

ب) حسین بن روح

ج) عثمان بن سعید

۹. این روایت از کدام معصومین می‌باشد، «در زمان غیبت کبری، هیچ‌کس حتی فرزندان حضرت، جایگاه او را نمی‌دانند»

الف) امام صادق علیه السلام

ب) امام رضا علیه السلام

ج) امام حسن عسکری علیه السلام

۱۰. این جمله در کدام مذهبی ادیان دیگر آمده است: «پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او «منصور» است.»

الف) کتاب «زند» زرتشتیان

ب) کتاب «مزامیر» حضرت داوود

ج) کتاب «دیر» هندویان

۱۱. کدام یک از گزینه‌های ذیل از

وظایف عملی شیعه برای انتظار بشمار

می‌رود؟

الف) امر به معروف و نهی از منکر - صبر

برای انتظار

ب) اصلاح جامعه - کاهش معاصی

ج) اصلاح جامعه - ترویج اسلام در جهان

۱۲. دعا برای فرج امام زمان (عج)

شامل چه برکاتی برای فرد می‌گردد؟

الف) مایه‌ی استجابت دعا و دفع بلاست

ب) با امیرالمؤمنین محشور می‌گردد و

عزیزترین افراد نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خواهد بود

ج) هر دو مورد

۱۳. کدام یک از علایم ذیل، از

نشانه‌های حتمی ظهور می‌باشد؟

الف) گرفتگی ماه در آخر ماه رمضان -

شنیده شدن صدای آسمانی

ب) خروج سفیانی - تسلط کفار و فساق

ج) هر دو مورد

۱۴. تعداد یاران اصلی حضرت مهدی (عج) با تعداد لشکریان رسول خدا ﷺ در کدام جنگ یکسان است؟

الف) احد

ب) بدر

ج) خندق

۱۵. تعداد لشکریان امام زمان (عج) برای قیام چند نفر خواهد بود؟

الف) ۳۱۳ نفر

ب) ۱۰ هزار نفر

ج) ۲۰ هزار نفر

۱۶. حضرت مهدی (عج) چگونه با یاران اندک خود بر سیل دشمنان پیروز می‌شوند؟

الف) خداوند ملائکه را به کمک ایشان

می‌فرستد

ب) خداوند توان و نیروی فوق‌العاده به یاران

آن حضرت عطا می‌کند

ج) هر دو مورد

۱۷. امام عصر (عج) مگر خلافت خود را در کدام شهر قرار خواهند داد؟

الف) کوفه

ب) مدینه

ج) مکه

۱۸. کدام یک از موارد ذیل از

ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج)

بشمار می رود؟

الف) حاکم شدن رفاه عمومی و ریشه کن

شدن فقر

ب) اجرای اسلام ناب محمدی و اجرای

عدالت

ج) هر دو مورد

۱۹. کدام امام معصوم علیه السلام غسل و کفن

امام زمان (عج) را برعهده خواهد

داشت؟

الف) امام علی علیه السلام

ب) امام حسین علیه السلام

ج) امام حسن عسکری علیه السلام

۲۰. کدام یک از امامان معصوم علیهم السلام در

سن شش سالگی به امامت رسید؟

الف) امام علی النقی علیه السلام

ب) امام زمان (عج)

ج) امام جواد الائمه علیه السلام

۲۱. کدام یک از موارد ذیل از آثار وجود شریف امام زمان (عج) در دوران غیبت بشمار می‌رود؟

- الف) اثر امیدبخشی به مسلمین
- ب) نظارت بر اعمال همه انسانها
- ج) هر دو مورد

۲۲. چرا خداوند ولادت امام زمان (عج) را در آخرالزمان قرار نداد؟

- الف) زیرا زمین هرگز نباید خالی از حجت خدا باشد
- ب) براساس حکمت خدا در زمان لازم حکومت جهانی و اسلامی تشکیل دهند
- ج) هر دو مورد

۲۳. علت قیام حضرت مهدی (عج) چیست؟

- الف) گسترش فساد و ظلم در جهان
- ب) اجازه و دستور خدا
- ج) هر دو مورد

۲۴. شباهت حضرت مهدی (عج) با حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام در چه موردی می‌باشد؟

الف) پنهان بودن ولادت

ب) بازگشت به سیمای جوانی پس از پیری

ج) طول عمر

۲۵. خواندن دعای ندبه در چه

زمانهایی وارد شده است؟

الف) روز جمعه

ب) روز عید فطر و قربان

ج) هر دو مورد

پاسخنامه

| سؤال | الف | ب | ج |
|------|-----|---|---|
| ۱۴ | | | |
| ۱۵ | | | |
| ۱۶ | | | |
| ۱۷ | | | |
| ۱۸ | | | |
| ۱۹ | | | |
| ۲۰ | | | |
| ۲۱ | | | |
| ۲۲ | | | |
| ۲۳ | | | |
| ۲۴ | | | |
| ۲۵ | | | |

| سؤال | الف | ب | ج |
|------|-----|---|---|
| ۱ | | | |
| ۲ | | | |
| ۳ | | | |
| ۴ | | | |
| ۵ | | | |
| ۶ | | | |
| ۷ | | | |
| ۸ | | | |
| ۹ | | | |
| ۱۰ | | | |
| ۱۱ | | | |
| ۱۲ | | | |
| ۱۳ | | | |

نام و نام خانوادگی:

شماره شناسنامه:

نام پدر:

میزان تحصیلات:

تاریخ تولد:

نشانی و شماره تلفن: